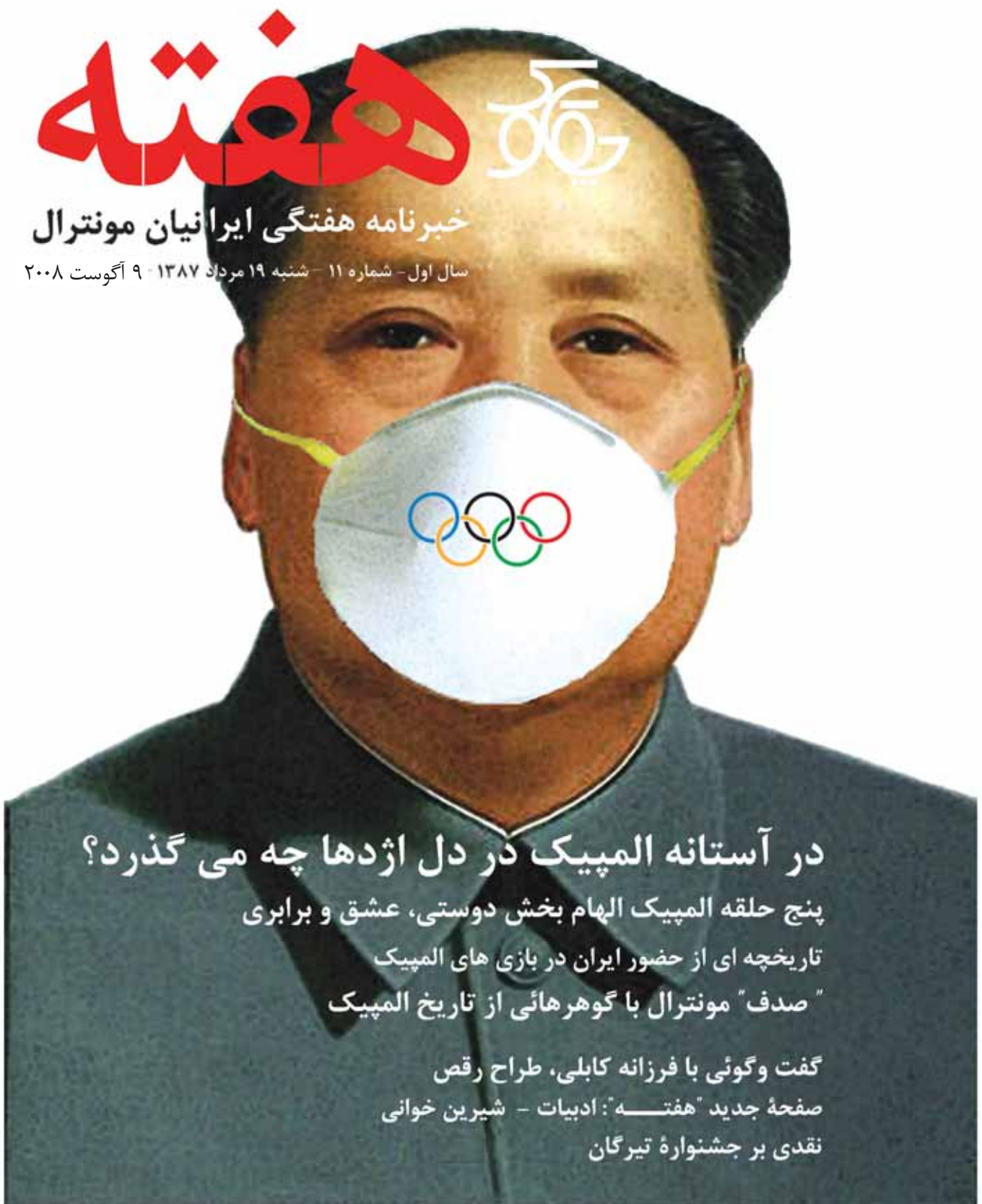


هفته



خبرنامه هفتگی ایرانیان مونترال

سال اول - شماره ۱۱ - شنبه ۱۹ مرداد ۱۳۸۷ - ۹ آگوست ۲۰۰۸



در آستانه المپیک در دل ازدها چه می گذرد؟

پنج حلقه المپیک الهام بخش دوستی، عشق و برابری

تاریخچه ای از حضور ایران در بازی های المپیک

" صدف " مونترال با گوهرهایی از تاریخ المپیک

گفت و گوئی با فرزانه کابلی، طراح رقص

صفحه جدید "هفته": ادبیات - شیرین خوانی

نقدی بر جشنواره تیرگان

CFMB 1280 AM
www.chacavac.com
Tel:(514) 787-8848

رادپوی مونترال و دیدگاه های ایرانیان

هر یکشنبه از ساعت ۹ تا ۱۰ شب



رقصی چین " در مونترال

اثری از طراح بزرگ رقص، فرزانه کابلی،

با هنرمندی ۹ رقصنده حرفه ای

آیدا مفتاحی

مریم زرین پنجه

دبیدوراج بنرجی

کندس یان

پارومیتا کار

مارلو پرتو

آلکساندریا اسکورا

پریسیلا یو

جنی دکار

خرید بلیت :

(514)787-8848

شنبه ۱۶ اگوست ۸ شب

ورودی: ۳۰ دلار - برای دانشجویان ۲۵ دلار

برگزار کننده: انجمن سخن آزاد

Oscar Peterson Hall

7141 Sherbrooke West

Concordia University (LA YOLA)

گفت و گو با خانم فرزانه کابلی را در چین شماره هفته بخوانید

صورت آواز مرغ است آن کلام غافل است از حال مرغان مرد خام

- ناشر: هفته _____
ویراستار: لیلی خاقانی
- صفحه آرایی: شقایق تقی لوها
- سر دبیر: خسرو شمیرانی
- طراحی آگهی ها: بهروز زمانی
www.behgraphics.com
- طرح روی جلد: کیوان مهجور
- عکس هفته: فرخ وهاب زاده
- با سپاس ویژه از همکاران این شماره: حمیده
غیاثوند، تینا فرشادگهر، سحر همایی، یوسف
امیری، محمد جباری حق، پاشا جوادی،
• علی شریفیان، امید صارمی، مهدی کشتکار،
ژان میشل لووا و هادی متبسم
- هفته _____ از همه علاقه مندان
دعوت به همکاری می کند.
- برداشت مطالب با ذکر ماخذ آزاد است.
- هفته در ویرایش و کوتاه کردن مطالب
رسیده آزاد است.
- نوشته های فرستاده شده پس فرستاده
نمی شود.
- استفاده از طرح ها و آگهی های
هفته _____ نیاز به کسب اجازه
دارد.
- درباره مضمون آگهی های منتشر
شده هیچگونه مسئولیتی متوجه
هفته _____ نیست.

6960 Sherbrooke W suite 15
Montreal QC H4B 1R2
(514)787_8848
info@chacavac.com
www.chacavac.com

پنج حلقه المپیک سمبل الهام بخش دوستی، عشق و برابری

• هادی متبسم _ مونترال

بیست و نهمین دوره مسابقات المپیک آغاز شد. مسابقه‌هایی که با فکر ترویج صلح، دوستی، برابری و احترام به کرامت انسانی، به دور از هرگونه تبعیض پایه‌ریزی شد تا همچون مدرسه و کلاس درس به شرکت‌کنندگان و جهانیان بیننده، درس گذشت، ایثار، توانمندی و بکارگیری این خصلت‌ها در راستای ارج نهادن به انسان‌ها با هر رنگ، نژاد و زبان باشد.

پیر دو کوبرتن (Pierre de Coubertin) پدر و پایه‌گذار المپیک نوین و همراهانش، اولین دوره‌ی این بازی‌ها را در سال ۱۸۹۶ با حضور معدود کشورهای از جهان برگزار نمودند، و آتن مهد المپیک قدیم، محل آغاز المپیک نوین شد.

در سال ۱۹۱۲ در استکهلم و در پنجمین دوره‌ی بازی‌ها، برای اولین بار نمایندگانی از پنج قاره‌ی جهان در مسابقه‌ها شرکت کردند تا به پنج حلقه‌ی رنگین حک شده بر پرچم المپیک معنا بخشند. پنج حلقه‌ی رنگینی که نماد پنج قاره‌ی جهان است و مردم دنیا را مانند زنجیری متحد می‌کند تا الهام‌بخش دوستی، عشق و برابری باشند.

المپیک همواره لحظه‌هایی از تبلور اصالت نیکی در عمل انسانی را به نمایش گذاشته است. زمانی که دوندگی ماراتن آفریقایی بعد از ساعت‌ها با بدنی مجروح به خط پایان مسابقه رسید و ثابت کرد که اصل، شرکت و حضور در مسابقه است و نه پیروزی؛ وقتی که هنری پیرس، قایقران استرالیایی در مسابقه‌های نهایی المپیک هلند، قایق خود را در جریان بازی نهایی متوقف نمود تا دسته‌ای اردک وحشی از جلوی قایقش عبور کنند؛ و آن روزی که شادروان غلامرضا تختی بعد از کسب مقام قهرمانی و دریافت مدال طلا، بر بازوی حریف بازنده‌اش بوسه زد و او را بر دوش به دور تشک چرخاند؛ همه و همه، نشانه‌هایی بودند از این که مسابقه‌های المپیک می‌تواند پیام‌آور و تبلور صلح و دوستی باشد. افسوس که این پدیده‌ی پاک و بی‌آلایش مورد دست‌درازی حکمرانان و منفعت‌طلبان و سیاست‌ورزان زورگو قرار گرفت. آنها به حریم پاک المپیک تجاوز کردند. گاه از راه تحریم و شرکت نکردن در مسابقه‌ها و روزی دیگر از راه منع برخی کشورها که حاضر به قبول سیاست‌های زورگویانه‌ی آنان نبودند.

زمانی که آدلف هیتلر در مسابقه‌های المپیک برلین ۱۹۳۶ از دست دادن با قهرمان آمریکایی «جسی اونس» (Jesse Owens)، برنده‌ی چهار مدال طلا، خودداری نمود و آن روزی که چریک‌های فلسطینی به اردوگاه ورزشکاران اسرائیلی در المپیک مونیخ هجوم بردند و در نهایت گروهی از ورزشکاران حاضر در اردو و چریک‌ها همگی جان خود را از دست دادند، و بالاخره تحریم بازی‌های ۱۹۸۰ مسکو به وسیله‌ی آمریکا و کشورهای متحدش و مقابله به مثل شوروی و کشورهای بلوک شرق و تحریم بازی‌های ۱۹۸۴ لوس آنجلس، همه و همه لکه‌های تیره‌ی ابر سیاهی بود که آسمان شفاف و آبی بازی‌ها را سیاه کردند.

مراسم افتتاحیه بیست و نهمین دوره‌ی بازی‌های المپیک روز ۸ از ماه ۸ سال ۲۰۰۸ سر ساعت ۸ و ۸ دقیقه و ۸ ثانیه با شکوهی بی‌نظیر آغاز شده و با رژه‌ی همه کشورهای حاضر در المپیک و برنامه‌های متنوع ۴ ساعت ادامه داشت. ای کاش المپیک پکن، که گفته می‌شود بزرگ‌ترین المپیک برگزار شده از اول تا به امروز است، سرآغازی برای اجتماع همه‌ی ورزشکاران جهان به دور از دخالت سیاستمداران قدرت‌پرست و برخی زیرپرستان بی‌ملاحظه باشد.

به امید پیروزی صلح و دوستی بر جنگ و نفرت، لازم است در این شماره ویژه زحمات تمامی ورزشکاران و خدمت‌گزاران پیش‌کسوت ورزش کشورمان را سپاس بگوییم و به ویژه از بزرگان و زحمت‌کشان این عرصه که در مونترال زندگی می‌کنند، از جمله دکتر ضیاء‌الدین شادمان و همچنین دیگرانی که در مونترال هستند اما ما افتخار آشنایی با آنها را نداریم، یاد کنیم.

فهرست

۳	سخن هفته « پنج حلقه المپیک سمبل الهام بخش دوستی، عشق و برابری » - هادی متبسم
۴	اخبار کبک و کانادا
۷	اخبار مونترال ایرانی
۹	کافه لیت: درآمدی بر نظریه‌های ادبی - گزارش از مهدی کشتکار
۱۰	گفت‌وگوا فرزانة کالیلی طراح بزرگ رقص - به بهانه «رقصی چنین» در مونترال
۱۲	در آستانه‌ی المپیک در دل ازدها چه می‌گذرد؟ تینا فرشاد گهر
۱۴	صدف مونترال با گوهرهایی از تاریخ المپیک - لیلی خاقانی
۱۵	تاریخچه‌ای از حضور ایران در بازی‌های المپیک - هادی متبسم
۱۶	«فسیل فضایی» شاهدی بر مهبانگ - امید صارمی
۱۷	نقدی بر جشنواره تیرگان - علی شریفیان
۱۸	سه روز کمپینگ در میان جنگل و کنار آب
۱۹	عکس هفته: جهان واژگونه
۲۰	اخبار جهان
۲۱	اخبار ایران
۲۲	نیازمندی‌ها



کردند مجبور به پرداخت مالیات سرانه‌ای بودند که فقط بر چینی‌ها بسته شده بود.

دولت بریتیش کلمبیا پیشتر برای حادثه‌ی «کوموگاتا مارو» عذرخواهی کرده است. در این حادثه، قایقی ژاپنی به نام کوموگاتا مارو، با جمعیت ۳۷۶ نفر که اغلب آنها جزء فرقه‌ی سیک بودند، در سال ۱۹۱۴ در بندری در ونکوور کناره گرفت. دولت وقت به مسافران اجازه‌ی پیاده شدن نداد و قایق به مدت دو ماه در بندرگاه ماند. پس از بازگشت قایق به مبدا اولیه‌ی خود یعنی کلکته، در برخورد با پلیس هند ۲۰ نفر از مسافران قایق کشته و بقیه زندانی شدند.

اعتراض لیبرال‌ها به دولت محافظه‌کار: بودجه‌ی نظامی را بیشتر کنید!

بنا به گزارشی که خبرگزاری سی.بی.سی روز چهارشنبه ۶ اگوست ۲۰۰۸ مخابره کرده، کمیته‌ی دفاع و امنیت مجلس سنا، از برنامه‌ی بودجه‌ی ارائه شده توسط دولت محافظه‌کار به شدت انتقاد و ادعا کرده است که این برنامه در عمل به کاهش واقعی بودجه‌ی نظامی خواهد انجامید. پیترو مک‌کی با اعتراض شدید به گزارش سنا آن را غیرواقعی و تحریک‌آمیز خواند.

بر اساس برنامه‌ی ارائه شده توسط دولت آقای هارپر، بودجه‌ی نظامی تا سال ۲۰۱۱ سالانه یک و نیم درصد و پس از آن تا سال ۲۰۳۱ سالانه دو درصد افزایش می‌یابد. کمیته‌ی امنیت و دفاع مجلس سنا در گزارش خود نوشته است: «از آنجا که تورم برای ارتش بالای دو درصد خواهد بود افزایش پیش‌بینی شده افزایشی واقعی نخواهد بود.»

در گزارش سی.بی.سی یادآوری شده است که بودجه‌ی نظامی کانادا در سال گذشته ۱۸ میلیارد دلار بود و این برابر است با ۱.۲ درصد تولید ناخالص ملی در حالی که کشورهای عضو ناتو به طور متوسط ۲ درصد از تولید ناخالص ملی خود را به بودجه‌ی نظامی اختصاص می‌دهند.

بر اساس گزارش سنا، اگر طبق برنامه‌ی دولت محافظه‌کار عمل شود در ده سال آینده، بودجه‌ی نظامی کانادا به کمتر از یک درصد تولید ناخالص ملی کاهش خواهد یافت. کمیته‌ی دفاع و امنیت مجلس سنا، دو درصد افزایش به علاوه‌ی نرخ تورم را حداقل افزایش پذیرفتنی برای این منظور می‌داند.

در همین رابطه، سناتور لیبرال، کالین کنی (Colin Kenny) رئیس کمیته‌ی دفاع و امنیت مجلس سنا، با تأکید بر حضور ارتش کانادا در افغانستان و جنگ زمینی آن در جنوب این کشور به خبرنگار «کانادا پرس» گفت: با توجه به این که ارتش تا سال ۲۰۱۱ در افغانستان می‌ماند پذیرش برنامه‌ی دولت در این رابطه نابخشودنی است.

سیک‌ها پوزش نخست وزیر، استفان هارپر، را نپذیرفتند

به گزارش «یاهو نیوز» به نقل از سی.بی.سی، استفان هارپر روز یکشنبه در مقابل جمعی که به ۸ هزار نفر بالغ می‌شد، در شهر سوری (Surrey) در بریتیش کلمبیا از جمعیت هندی‌تبار کانادا به خاطر حادثه‌ی کوموگاتا مارو (Komagata Maru) پوزش خواست. اما پس از این که وی سکوی سخنرانی را ترک کرد، تعدادی سیک با سرعت به روی جایگاه رفتند و اعلام کردند که پوزش وی را نمی‌پذیرند. آنها خواستار پوزش رسمی در مجلس عوام شدند.

آقای جاسویندر سینگ تور (Jaswinder Singh Toor)، رئیس «انجمن نوادگان کوموگاتا مارو»، این عذرخواهی را ناپذیرفتنی خواند. به نظر او تنها عذرخواهی رسمی، مانند آنچه برای جامعه‌ی چینی کانادا انجام شد، پذیرفتنی است. لازم به توضیح است که مهاجران چینی که بین سال‌های ۱۸۸۵ و ۱۹۲۳ به کانادا مهاجرت

فردی که خبر جنایت او در سراسر جهان پیچید: مرا بکشید

هفته‌ی گذشته، خبر قتل یک مسافر و جدا شدن سر او از تنش در مقابل دیدگان دیگر مسافران اتوبوس بین‌شهری «گری هاوند» که از شهر وینی‌پگ راه افتاده بود، در سرتاسر جهان پیچید. «کانادا پرس» روز سه‌شنبه ۵ اگوست ۲۰۰۸ گزارش کرد که «وینس ویگانگ لی»، ۴۰ ساله کارگر سابق پخش روزنامه در ادمونتون که به تازگی از چین به کانادا مهاجرت کرده، به قتل درجه دو متهم گشته است. قتل درجه دو به این معناست که از پیش قصد و برنامه‌ریزی برای قتل صورت نگرفته بوده است. لی هیچ‌گونه تلاشی برای رد کردن این اتهام نکرده است. وقتی دادگاه از او برای پذیرفتن وکیل مدافع سوال کرد وی سرش را به نشانه‌ی جواب منفی تکان داد و به آهستگی گفت: لطفا مرا بکشید. این گفته توسط شاهدان در دادگاه و همچنین منشی دادگاه تأیید شده است. پس از این گفته بررسی‌های روان‌پزشکی برای وی مقرر شد. لی باید بار دیگر در ماه سپتامبر در دادگاه حضور یابد. به گفته‌ی رییس پیشین او، لی فردی سخت‌کوش و قابل اعتماد به نظر می‌رسید و هیچ نشانه‌ای از مشکل‌ساز بودن نداشت.

تیم مک‌لین، مقتول که در حمله‌ی بی‌مقدمه جان خود را از دست داد، به گفته‌ی خانواده‌اش فردی شاد و خون‌گرم توصیف شده است. او برای تدارک جشنواره‌ها کار می‌کرد.

شاخص سهام بازار بورس تورنتو به شدت کاهش یافت

به گزارش «کانادا پرس» در تاریخ ۵ اگوست ۲۰۰۸، شاخص بازار سهام تورنتو (TSX) در روز سه‌شنبه پس از اولین دور معاملات نزدیک به ۳۰۰ امتیاز کاهش یافت. در نتیجه‌ی این کاهش، شاخص سهام مذکور به ۱۳ هزار و ۲۰۳ واحد رسید. بنا به این گزارش کانادا پرس، علت‌های این کاهش، پایین آمدن ارزش سهام انرژی و کاهش ارزش دلار کانادا بود. به عقیده‌ی ناظران، بعد از تصمیم آمریکا برای کاهش نرخ سود، قیمت نفت خام به پایین‌ترین سطح خود در هفته‌های گذشته رسید و همراه با آن ارزش دلار کانادا با کاهش تقریبی یک و نیم سنت به بهای ۹۵.۹۵ سنت دلار آمریکا معامله شد.

در بازار سهام تورنتو، بخش انرژی ۵٪ کاهش نشان داد و تقریباً تمام شرکت‌های حاضر بر روی فهرست بازار سهام دچار درصدی کاهش شدند. قیمت نفت خام در روز دوشنبه با ۱۹ درصد کاهش نسبت به بالاترین قیمت تاریخ نفت، به پایین‌ترین سطح خود در سه ماه گذشته رسید. در روز ۱۱ جولای ۲۰۰۸ بهای هر بشکه نفت خام به بیش از ۱۴۷ دلار رسید.

سازمان های فرهنگی و اجتماعی در مونترال

انجمن دوستداران زرتشت

با هدف باز شناساندن جشن های باستانی
Tel: (514) 731-1443

انجمن زنان ایرانی مونترال

نشست ثابت اولین یکشنبه هرماه، ۱۰/۳۰ صبح
St. Hubert 8043

انجمن فرهنگی ایرانیان وست آیلند

مدرسه فارسی- هر شنبه از ساعت ۱۲/۳۰
2900 lake
Tel: (514) 626 5520

انجمن ادبی- محمد فاضل

سخنرانی های ادبی، اجتماعی و تاریخی
Tel: (514) 651-7955

بنیاد سخن آزاد

کنسرت های موسیقی اصیل و سخنرانی
Tel: (514) 944-8111

خانه ایران

تلفن: ۵۱۴-۹۵۱۴۷۲۱

خانه کتاب ایران- میک

گالری- کتاب فروشی- کتابخانه
4438 De la Roche
Tel: (514) 373-5777

خدمات خانوادگی- Sheild of Athena

آگاهی درباره مسائل خانوادگی و قوانین کانادا
3565 Jarry
(514) 274 8117

کتاب خانه نیما

5206 Decarie
Tel: (514) 485-3652

کافه لیت

هر پنجشنبه یک بحث ادبی، تاریخی و علمی
www.montrealcafelit.blogspot.com
MontrealCafeLit@gmail.com

کانون فرهنگی چکاوک

راديو و هفته نامه
6960 Sherbrooke W
Tel: (514) 787-8848

مدرسه ایرانی دهخدا:

مدرسه فارسی- هر شنبه از ساعت ۱۲
4976 Notre Dame W
Tel: (514) 886-4768



باران های روزهای گذشته ۲۵۰ نفر را در خانه های خود گیر انداخت

به گزارش سی.بی.سی به تاریخ پنجشنبه ۷ اگوست ۲۰۰۸ بارش باران و باران های سیل آسا در بسیاری از منطقه های کبک همچنان دردسرافرین است. باران های چند روز گذشته به ویژه در منطقه ی موریسی (Mauricie) و لانودییه (Lanoudiere) به طور قابل توجهی مشکل آفرین شده اند. در «سنت آلکسی د مونت» ۵۰ خانواده به طور کامل در محاصره ی سیل قرار گرفته و قادر به بیرون آمدن از خانه های خود نیستند.

در لانودییه نزدیک به صد متر از جاده ی اصلی از سیل به شدت آسیب دیده و در سن دیدوک (St. Diduc) پل ارتباطی مهمی ویران شده است. خسارت های وارد شده به جاده ی ۳۴۸ به حدی است که پلیس راه به رانندگان هشدار داده از این مسیر استفاده نکنید. به گفته ی مسولان حفاظت شهرداری در ماستیگوش (Mastigauche) در ۱۰۰ کیلومتری شمال غربی تروا ریویه (Trois Riviers)، باران ۲۵۰ نفر را وادار کرد تا تمام ساعت های شب ۷ اگوست را به اجبار در خانه های خود به سر برده و امکان خروج نداشته باشند.

خانواده های گرفتارده به جز یک مورد مشکل خاصی نداشتند. در آن یک مورد هم کودکی که دچار مشکل بود با بال گردان (هلی کوپتر) از محل برده شد. به علاوه، شش ساکن مرکز سالمندان نیز به دلیل های احتیاطی جابجا شدند.

راديو چکاوک
را هر یکشنبه شب از
ساعت ۹ تا ۱۰ بر روی
موج ای.ام.ردیف
۱۲۸۰ بشنوید

استفان هارپر برخلاف جرج بوش، در مراسم گشایش المپیک پکن شرکت نکرد

دیوید امرسون، وزیر خارجه ی کانادا، روز پنجشنبه برای شرکت در مراسم گشایش بازی های المپیک وارد پکن شد. بنا به گزارش سی.بی.سی، وی هنگام ورود به پکن به خبرنگاران گفت: «دولت چین شرکت نکردن نخست وزیر کانادا در مراسم المپیک را به عنوان کم محلی برداشت نکرده است.»

در گزارش سی.بی.سی همچنین آمده است: استفان هارپر مدتی پیش گفته بود که حقوق بشر را قربانی قراردادهای اقتصادی با چین نخواهد کرد. از آن پس روابط رئیس دولت محافظه کار کانادا و رئیس جمهور چین، آقای هو جین تاو (Hu Jintao) تنش آمیز بوده است. این در حالی است که هارپر سفری به چین را در برنامه دارد.

جرج دبلیو بوش، رئیس جمهور آمریکا، گوردون براون، نخست وزیر انگلیس، و نیکلا سارکوزی، رئیس جمهور فرانسه، در مراسم گشایش بازی ها شرکت کردند، در حالی که خانم آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان، و دونالد توسک، نخست وزیر لهستان، همچون استفان هارپر از شرکت در این مراسم خودداری کردند.

بیست میلیون دلار غرامت برای ۲۰ سال بی توجهی مسولان مدرسه ی خصوصی در وست مونت مونترال

به گزارش سی.بی.سی، مدرسه ی خصوصی معتبر و اعیانی در وست مونت به نام سلوین هاوس (Selwyn House) با دادخواهی گروهی دانش آموزان سابق روبرو است. سه معلم پیشین متهم هستند که از دانش آموزان سوءاستفاده جنسی می کرده اند.

بنا به همین گزارش که در تاریخ ۷ اگوست ۲۰۰۸ مخابره شده است، برای اولین بار در سال ۱۹۷۱ مادر دانش آموزی درباره ی سوءاستفاده ی یکی از معلمان از فرزندش سوگند رسمی خورد و مسولان مدرسه از این راه در جریان اتهام ها قرار گرفتند اما کاری نکردند. در سال ۱۹۸۳ والدین دانش آموز دیگری پیش از این که او را همراه همان معلم به سفر مدرسه ای بفرستند درباره ی شایعه های مربوط سوال کردند. مسولان مدرسه به آنان اطمینان دادند که این شایعه ها بی پایه اند. دانش آموز مزبور بدان سفر رفت و پس از بازگشت با بحران روحی روبرو شد.

در سال ۱۹۹۱ پس از تماس تلفنی گمنامی، مسولان مدرسه برای اولین بار در این باره اقدام کردند. در نتیجه ی پاسخ خواهی مسولان از معلم یادشده _ که سی.بی.سی از او به نام لی سویل (Leigh Seville) نام برده _ وی ابتدا پدر پیر خود و سپس خودش را کشت.

مدرسه برای پرداخت ۵ میلیون دلار غرامت اعلام آمادگی کرده بود اما علاوه بر شاکیان، آقای پییر گانون (Pierre Gagnon)، قاضی پرونده، نیز با این معامله مخالفت کرده است. او خود مبلغ ۲۰ میلیون دلار را پیشنهاد کرده است.



دکتر شریف نائینی
جراح دندان پزشکی
 DDS دانشگاه تهران ۱۹۷۳
 DMD دانشگاه مونترال ۱۹۹۸
514-731-1443
 5450 Cote des neiges, Suite 308 Metro: CDN



رضا نژاد
مشاور املاک
تجاری و مسکونی
Cell: 514-865-7146
Office: 514-426-4545
Fax: 514-426-4546
 Sutton
 2869 Boul. St. Charles, Kirkland

رنگ کاری پیانو و مبلمان چوبی
 با رنگ کاری حرفه‌ای و درجه یک، به مبلمان چوبی و قدیمی خود زندگی دوباره بدهید.
514-909-6264
ماندانا روشن



رستوران کپلی
 همبرگرهای بزرگ و فوشمزه
 و غذاهای ایتالیایی
514-483-0000
 روبروی متروی Vandome
 • دلیوری غذا در: NDG و Westmount



ارسال ارز به ایران
و سایر نقاط جهان
514-485-6000
 با امکان صدور Money Order امریکایی و کانادایی
 6520 St. Jacques
 1405 de Maisonneuve O
 5774 Sherbrooke W
 € \$

رمز موفقیت در دنیای دوم
سلف هیپنوتیزم



- رسیدن به خودشناسی کامل
- فراگیری کامل تمرکز فکر
- کنترل بر تمام افکار پراکنده
- فراگیری کامل ریلکس کردن
- تسلط کامل بر تمام حالات منفی از قبیل هیجان، اضطراب، دلشوره و نگرانی و...
- به وجود آوردن یک اعتماد به نفس کامل
- قاطع بودن برای تصمیم گیری
- فراگیری بوجود آوردن آرامش در نهایت خشم
- یادگیری اینکه چطور شبها به راحتی بخواب برویم
- فراگیری اینکه زندگی آنطور که هست از آن لذت ببریم و به آرامشهای درونی و دسترسی پیدا کنیم

با گذراندن این پدیده نوین شما می توانید به کلیه آرمان های زندگی خود براحتی دسترسی یابید.

Ali Salimi Tel: 514-979-2120
Fax: 450-689-1051 Email: ga_salimi@hotmail.com



اخبار مونترال ایرانی

نمایشگاه آثار نهال وحدت
 ۱۵ آگوست ساعت ۵:۳۰ غروب
 37 Rue St_Thomas
 Saint_Anne_de_Bellevue
 QC H9X 1K5
 Tel: (514)695_8249



مینا ساری اصلانی در کنار "دختر کردی"

اصلائی، پایان می یابد که «گالری وست» در Saint Anne de Bellevue واقع در غرب وست آیلند، آثار یک هنرمند ایرانی دیگر را عرضه می کند. این شهر کوچک در کنار سن لوران، طی فقط یک ماه میزبان دو نمایشگاه از آثار خانواده هنرمند وحدت است. نهال، نوه، نصرت الله وحدت چهره شناخته شده سینمای پیش از انقلاب ایران در تاریخ ۱۵ آگوست از ساعت ۵ و نیم غروب، برنامه گشایش اولین نمایشگاه آثار خود را برگزار می کند. این نمایشگاه از ۱۴ تا ۲۱ آگوست ۲۰۰۸ بر پا خواهد بود.

گرچه نمایش آثار مینا ساری اصلانی، مادر نهال، عضو دیگری از خانواده هنرمند وحدت پایان یافته است اما از ۲۲ تا ۲۴ آگوست در یک فرصت مشترک کارهای مادر و دختر هنرمند عرضه می شوند.

خانم ساری اصلانی در پاسخ به سوال ما در باره استقبال از نمایشگاه گفت: «حدود هفتاد - هشتاد نفر در ورنیساز شرکت کردند و در همان دو روز اول ۴ اثر به فروش رسید.»

این هنرمند در باره اولین نمایشگاه خود می گوید: «واقعیت این است که هدف من در وهله نخست نه فروش آثار بلکه به نمایش گذاشتن چهره دیگری از ایران بود که با آنچه رسانه های اصلی در اینجا نشان می دهند فرق دارد و به نظر من این چهره واقعی ما است.»

آثار خانم اصلانی که غالباً با رنگ روغن کار شده اند، موضوعاتی به شدت متأثر از سرزمین و فرهنگ ایران را به نمایش می گذارند.

نمایشگاه نهال وحدت، ۱۵ آگوست گشوده می شود نمایشگاه نقاشی های مینا ساری اصلانی پایان یافت

در حالی اولین نمایشگاه هنرمند ایرانی، مینا ساری



کارت ورنیساز آثار نهال وحدت

فرزانه کابلی طراح بزرگ رقص با «رقصی چنین» در مونترال

آخرین اثر فرزانه کابلی، طراح بزرگ رقص های ایرانی، «رقصی چنین»، را در مونترال به روی صحنه می برد. در این برنامه آیدا مفتاحی و ۸ هنرمند دیگر که ۷ نفر آنها غیر ایرانی و از تبارهای گوناگون هستند ۱۳ رقص مختلف را اجرا خواهند کرد. آیدا مفتاحی بنیانگذار «وشتن دانس» Vashtan Dance و کاندیدای دکترای رقص، در دانشگاه تورنتو، در این رابطه به رادیو چکاوک مونترال گفت: « بعضی از رقص ها بصورت گروهی و بعضی بصورت سولو اجرا می شوند. بعضی محلی هستند و با همان حالت محلی اجرا می شوند اما بعضی دیگر کوریوگرافی معاصر تری دارند. دو قطعه رقص هم داریم که حالت سنگین تری دارند و روی موسیقی آقای علیزاده اجرا می شوند و رقصی هم داریم که بیشتر حالت عرفانی دارد در نهایت این قطعات بسیار متفاوت و متنوع هستند. بعضی از آنها پر شور تر و سنتی تر هستند و بعضی هم مدرن تر. خانم فرزانه کابلی در باره این کار گفت وگویی با شهرگان انجام داده است که خلاصه آن در این شماره از هفته نامه آمده است.

شنبه ۱۶ آگوست ۸ شب

ورودی: ۳۰ دلار برای دانشجویان ۲۵ دلار
برگزار کننده: انجمن سخن آزاد

Ticket: (514)223_3336
Oscar Peterson Hall
7141 Sherbrooke West
Concordia University (LOYOLA)

مدرسه دهخدا پیک نیک بازگشت به مدرسه را برگزار می کند!

دومین پیک نیک مدرسه دهخدا روز ۲۴ آگوست در پارک انگریونیون برگزار می شود. پوستر منتشر شده در این رابطه از کلیه هموطنان مونترالی دعوت کرده است تا در این جشن شرکت کنند.

طبق معمول در این جشن با موسیقی و غذاهای ایرانی کباب کوبیده، گوجه کباب، گوجه و سالاد از میهمانان پذیرایی می شود. ورودی این برنامه ولدت بردن از موسیقی رایگان است و بهای غذا فقط ۸ دلار است.

برای اطلاعات بیشتر می توانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

(۵۱۴)۹۵۲۲۱۶۵

(۵۱۴)۲۵۸۸۱۸۶

یکشنبه ۲۴ آگوست ۲۰۰۸

۱۰ صبح تا ۷ شب

در پارک انگریونیون

هفته نامه «Messenger»:

رقص ایرانی در کنار سن لوران بخش فوق العاده امسال بود

نشریه محلی هفتگی «Messenger» که در وردان منتشر می شود، در شماره اخیر خود، سوم آگوست ۲۰۰۸، به برنامه های میدان رقص وردان پرداخته است. رقص و موسیقی ایرانی بخشی از خبر مربوطه را تشکیل می دهد. در این خبر از جمله آمده است: « برای دست یابی به تنوع فرهنگی مطلوب، امسال رقص ایرانی به برنامه های تابستانی وردان اضافه شده است. » در این مطلب همچنین آمده است: « برنامه رقص ایرانی به عنوان بخشی فوق العاده به برنامه ها اضافه شده است. »

لازم به یادآوریست که برنامه رقص ایرانی در کنار رود سن لوران در وردان از اواسط ماه جولای آغاز شده و تا شنبه ۱۶ آگوست ادامه خواهد داشت.

در صورت ریزش باران شدید، پیش از حرکت به سوی میدان رقص با شماره چکاوک تماس بگیرید و از وجود برنامه اطمینان حاصل کنید.

شماره تلفن: ۷۸۷_۸۸۴۸ (۵۱۴)

7000 Boul. lasalle
Les Serres de Verdun
Metro de l'Église
Bus 58 West

مطالعات ایران شناسی دانشگاه کنکوردیا برگزار کرد: سخنرانی و بحثی در باره روند تکامل نهاد شوراهای شهر و موانع آن

چهارشنبه ۶ آگوست ۲۰۰۸ دانشگاه کنکوردیا میزبان دکتر مصطفی ازکیا، جامعه شناس و استاد دانشگاه بود. دکتر ازکیا که به دعوت «مطالعات ایران شناسی» دانشگاه کنکوردیا به سخنرانی می پرداخت، به تکامل موانع رشد نهاد شوراهای شهر در ایران پرداخت. او با ذکر پیشینه ای از این نهاد اجتماعی در دهه های پیش از انقلاب، به دوره های انتخابات شورا ها در یک دهه گذشته رسید و در پایان، بزرگترین مانع در برابر نهادینه شدن این واحد پایه ای دموکراسی در ایران را سیستم اداری متمرکز مملکت دانست. در این برنامه حدود بیست نفر از هموطنان و برخی استادان علاقه مند به موضوع از دانشگاه های کنکوردیا و مونترال شرکت کرده بودند.

این نشست که با ۱۵ دقیقه تاخیر در ساعت ۶:۱۵ دقیقه شروع شده بود در ساعت ۷:۳۰ دقیقه پایان گرفت. در شماره آینده گزارش مشروح این نشست ارائه خواهد شد.

از کافه لیت چه خبر؟

روز پنجشنبه ۱۴ آگوست ۲۰۰۸ کافه لیت، میزبان سیامک دلزنده است. سیامک دلزنده در این جلسه تحت عنوان «نظریه پردازان هنر در ایران» سخن خواهد گفت. برای اطلاعات آدرس محل برنامه می توانید به وبلاگ کافه لیت مراجعه کنید و یا با آدرس ای میل زیر تماس بگیرید.

پنجشنبه گذشته ۷ آگوست ۲۰۰۸ کافه لیت همراه با انجمن دانشجویان ایرانی مک گیل - میسا بزرگداشت احمد شاملو را برگزار کرد. سعید کامجو با کمانچه و شاهین فیاض با نوای تار خود این برنامه ادبی را همراهی کردند.

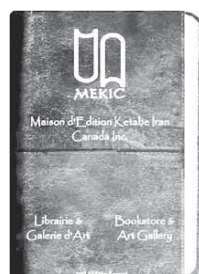
<http://www.montrealcafelit.blogspot.com>
montrealcafelit@gmail.com

تعطیلات تابستانی کتابفروشی و گالری کتاب ایران - میکیک آغاز شد

بر اساس اطلاعیه صادر شده توسط میکیک، این مرکز فرهنگی از چهارم تا هفدهم آگوست ۲۰۰۸ در تعطیلات تابستانی خواهد بود. در اولین هفته پس از تعطیلات، روز جمعه ۲۲ آگوست نمایشگاه عکس آثار علی اهتیار، عکاس هنرمند ترک تبار ساکن مونترال گشوده خواهد شد.

Maison d'Édition Ktabe Iran Canada Inc.
: MEKIC

4438, rue de la Roche
Montreal (Quebec) H2J 3J1
Tel: (514) 373_5777
E-Mail: info@mekic.ca



• مهدی کشتکار _ مونترال

در دیدگاه کلاسیک، تاکید بر متن است و معنا تمامی آن چیزی است که متن در اختیار می‌گذارد. این رویکرد برای خواننده نقشی قائل نیست. در مکتب پدیدارشناسی به دنبال پژوهش و آگاهی مستقیم نسبت به تجربه‌ها و مشاهده‌ها، یا به عبارت دیگر نسبت به پدیدارهایی هستیم که بی‌واسطه در تجربه‌ی ما ظاهر می‌شوند. به زبان ساده، متن خود را در ذهن خواننده نمایان می‌کند. در نگاه پدیدارشناسی، هرمنوتیک ذهن آفریننده با واسطه‌ی متن توسط ذهن خواننده ادراک می‌شود. در این نگاه، معنا به تاویل خواننده از متن مربوط می‌گردد. هرمنوتیک عمل رمزگشایی است که از فحوا و معنای ظاهر به معنای نهفته یا مکنون می‌رسد. به عبارت دیگر، هرمنوتیک فن فهم آفریننده‌ی متن است. ساختارگرایی حرکتی است به سمت دریافت معنا از درون متن، اما با برخوردی متفاوت. ساختارگرایی طریقی است برای فهم نموده‌ها از طریق نظام ساختار. بر پایه‌ی این مکتب، تعدادی ساختار باطنی و غیرملموس، چارچوب اصلی در پشت متن را تشکیل می‌دهند. «متن مجموعه‌ای است از ساختارها در زیر زمین که در زمین به تجلی می‌رسد و دریافت می‌شود.» ساختارگرایی به دنبال راهی است برای شرح و گزارش پیوند درونی‌ای که معنا از طریق آن ساخته می‌شود. در ساختارگرایی با تکیه بر زمان‌شناسی و نشانه‌شناسی، آثار ادبی را زیر و رو کرده و تمام امکاناتش را در نظر می‌گیرند تا جوهر اثر را کشف کرده و آنگاه به تحلیل بپردازند. پسا‌ساختارگرایی زابیده‌ی شک به تفکر ساختارگراست. پسا‌ساختارگرایی با شک در یکتا بودن معنا به نتیجه‌ی کنار هم گذارده شدن زیربناهای خاص برای یک متن، به بیان این دیدگاه می‌پردازد که می‌توان مجموعه‌ای از گزاره‌هایی داشت که می‌توانند در مقام آنتی‌تز گزاره‌های ساختارگرا عنوان شوند. یا به عبارت دیگر، هر واژه در پیوند با لفظ‌های پیش یا پس خود، معنای متفاوتی می‌یابد؛ پس هر نوشته هیچگاه معنای یگانه ندارد. بلکه معناهای متعدد و متنوعی دارد. دیدگاه روانکاوی در تأویل و خوانش متن، بر این باور است که جز لفظ و معنا، عامل‌های دیگری هم نقش ایفا می‌کنند. «ناخودآگاه» متن و معنا را از صافی خود می‌گذراند و آن‌ها را به محتویات خود آغشته می‌کند. پس از سخنان آقای پاک‌نژاد، حضاران در جلسه به بحث پرداختند. در پایان می‌توان این نتیجه را گرفت که برخورد و نگاهی که با متن داریم، به نوعی، بر واقعیت و معنا تاثیر می‌گذارد و معنا زابیده‌ی نوع نگاه و روش است.

در هشتاد و دومین جلسه‌ی کافه ادبی، آقای علی پاک‌نژاد به بررسی کتاب «درآمدی بر نظریه‌ی ادبی» نوشته‌ی «تری ایگلتون» (Terry Eagleton) پرداخت. او مطلب را با این سؤال شروع کرد که: ادبیات چیست؟ علی پاک‌نژاد در پاسخ به سؤال طرح شده گفت: کوشش‌های بسیاری برای تعریف ادبیات صورت گرفته است. به عنوان مثال، ادبیات را می‌توان نوشته‌ای تخیلی تعریف کرد به معنای داستان یا نوشته‌ای که حقیقی نیست. اما این تعریف کاملی نیست. تمایز میان «داستان» و «واقعیت» راهگشا به نظر نمی‌رسد. چرا که خود این تمایز، سؤال برانگیز است. شاید بتوان ادبیات را نه بر مبنای «داستانی» یا «تخیلی» بودن بلکه بر این اساس تعریف کرد که زبان را به شیوه‌ی خاصی به کار می‌گیرد. به موجب این نظریه، ادبیات «درهم ریختن سازمان یافته‌ی گفتار متداول است». ادبیات زبان معمول را دگرگون می‌کند، قوت می‌بخشد و به گونه‌ای نظام یافته آن را از گفتار روزمره منحرف می‌سازد. این تعریف را فرمالیست‌ها مطرح کردند. سخن ادبی، زبان معمول را غریبه یا ناآشنا می‌کند و فرمالیست‌ها بر این عقیده بودند که «آشنایی‌زدایی» جوهر «ادبی بودن» است. به عبارتی دیگر، ادبیات الگوسازی و ارزش‌سازی می‌کند و از این منظر می‌توان آن را با مذهب مقایسه کرد. آقای پاک‌نژاد پس از مقدمه‌ی ویژه‌شناختی، به بیان نظریه‌های مختلف ادبی پرداخت. او از جمله گفت که نظریه‌ی ادبی، تئوری یا فلسفه‌ی تفسیر و نقد ادبیات، پیکره‌ای از روش‌ها و پیشنهادهایی است که به عنوان ابزاری برای مطالعه‌ی کاربردی و فهم ادبیات _ با مفهومی که شرح داده شد _ به کار گرفته می‌شود. همچنین می‌توان آن را مجموعه‌ای از مفهوما و تفکرهایی دانست که پایه‌ی شرح و تفسیر متن‌های ادبی را تشکیل می‌دهند. منظور از نظریه‌ی ادبی اندیشه‌هایی است که مفهوم ادبیات را روشن می‌کنند. نظریه‌ی ادبی به اصولی اشاره دارد که از تجزیه و تحلیل درونی متن و دانش بیرونی آن به دست می‌آید و در موقعیت‌های تفسیری متعددی کاربرد دارد.

سپس سخنران به تعریف و رویکرد نظریه‌های مختلف ادبی در دریافت معنا از متن پرداخت. او اشاره کرد که مکتب‌های گوناگون از روش‌های گسترده‌ای برای درک متن بهره می‌برند. علی پاک‌نژاد به مکتب‌های کلاسیک، پدیدارشناسی، هرمنوتیک و ادراک، ساختارگرایی (Structuralism)، پسا‌ساختارگرایی (Post-Structuralism) و روانکاوی (Psychoanalysis) اشاره کردند. وی با بیان این که این مکتب‌ها الزاماً ارزش‌گذار نیستند، بلکه وسیله‌ای هستند برای دریافت معنا، به تبیین این مکتب‌ها پرداخت.

او در ادامه گفت، از دیدگاه «تری ایگلتون» هر اثر ادبی شامل پنج جز است که عبارتند از: آفریننده، نوشته، دریافت‌کننده یا خواننده، رابطه‌ی موضوعی، و تاریخ. هر یک از مکتب‌های یاد شده یک یا چند جز را محور دریافت معنا قرار می‌دهد.

فرزانه کابلی، طراح بزرگ رقص، هنرمندی که به گفته خود برای رقص زندگی می کند، کسی که از در تئاتر، رقص را در فضایی هنر و شادی ستیزه به روی صحنه برد، هنرمندی که رقص مختلط دختران و پسران را به جشنواره رسمی فجر تحمیل کرد، شنبه ۱۶ آگوست در مونترال «رقصی چنین» را روی صحنه می برد. در اینجا خلاصه ای از گفت و گوی انجام شده با او را به شما عزیزان ارائه می کنیم. هفته گذشته در باره «رقصی چنین» با خانم آیدا مفتاحی هنرمند و محقق رقص های ایرانی گفت و گو کردیم.

تحریریه هفته

رقص برای کسی که عاشقانه می رقصد همه چیز است



خانم فرزانه کابلی، شما از کودکی به رقص علاقه مند و در این زمینه فعال بودید و خانواده تان نیز تشویق تان می کرد.

تاثیر کارهای شما بر ارائه رقص های محلی چگونه بوده؟

بله. از بچگی به رقص علاقه داشتم. مادرم می گوید «حتا زمانی که هنوز نمی توانستی بایستی با گرفتن میز و صندلی می ایستادی و با ریتم خودت را تکان می دادی.» دایی هنرمندی داشتم، یادشان به خیر، آقای علی اصغر گرمسیری که استاد هنرپیشگی تئاتر بودند و آقایان انتظامی، مشایخی و نصیریان از جمله ی شاگردان او بودند. شاید علاقه ای که من به رقص دارم یا ژنی که در وجودم بوده با او ارتباط دارد. من عاشقانه این کار را دنبال کردم. ورزشکار بودم. دوومیدانی و پرش ارتفاع رشته ی اصلی من بود. قهرمان پرش ارتفاع بودم و مدال های زیادی داشتم اما به تدریج آن قدر این هنر رقص در من قوی شد که در دوران دبیرستان در مراسمی مثل روز مادر و یا تولد شاه، روز زن و ... مدرسه از من می خواست که برای بچه ها برنامه بگذارم. رقص ها را من برای بچه ها درست می کردم. در مسابقه های دبیرستانی، رقصی که من درست کرده بودم و خودم وسط می رقصیدم و چهار دختر دور من می رقصیدند، ما اول شدیم. این برای من بسیار مهم بود. بعد از آن رقص را ادامه دادم. با کمک و حمایت مادرو پدرم در هنرستان رقص های ملی و محلی ایران شروع به تحصیل کردم. معلم های آنجا آقای رابرت دو وارن و خانم ایشان ژاکلین اهل فرانسه بودند. من همیشه مدیون این معلمان خوبم هستم به خصوص آقای دو وارن که ۱۳ سال معلم من بودند و تمام قدم های ابتدایی باله و رقص های خودمان را از ایشان یاد گرفتیم. در آن زمان متاسفانه اکثر معلمان ما خارجی بودند چون در ایران کسی رقص را به طور جدی پیگیری نمی کرد. آقای دو وارن به ده های ایران می رفتند و رقص ها را به شکل فیلم می آوردند. من به خاطر عشقی که داشتم این رقص ها را از روی فیلم یاد می گرفتم و بچه های دیگر از من یاد می گرفتند. اینها مربوط به حدود سال های ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ است. بعدها دستیار دو تا از معلمانم شدم که در آن زمان برایم بسیار ارزش داشت. هنوز خیلی جوان بودم. متاسفانه برای رقص های ملی و یا مینیاتوری هیچ کتاب و فیلمی، جزوه و یا فیلمی در دست نبوده و همچنان هم نیست. در حال حاضر هم چون برای حرکت های رقص های ملی خودمان هیچ جزوه ای نداریم من همیشه در ذهنم این حرکت ها را درست می کنم.

کار استخدام آقای دو وارن و کار من بر آن تاثیر مشخصی داشته است. مثلا رقص کردی، که یکی از رقص های اصیل ماست، از اول تا آخر رقص تنها یک فیگور داشت. وقتی با آقای دو وارن کار می کردیم کوریوگرافی تغییر می کرد. حالا که من با بچه ها کردی کار می کنم حدود ۴۰ تا فیگور را در یک رقص استفاده می کنم. و یا برای رقص خراسان حدود ۳۰ تا ۳۵ تا حرکت در یک رقص داریم. به هر حال ما در جا نزدیک و من از جایی شروع کردم که استادم تمام کرد. یعنی رقص ها را تمام کردیم و بعد از آن انقلاب شد. من با عشق و علاقه ای که داشتم سعی کردم آن راه را ادامه بدهم و این عشق و علاقه را هم به شاگردانم منتقل کردم مانند آیدا مفتاحی در تورنتو که به خاطر سعی و کوشش او من اینجا هستم.

در یکی از مصاحبه های تان گفتید که رقص آن چیزی نیست که مردم فکر می کنند و در جای دیگر می گویند که اگر رقص نبود من می مردم. رقص چیست و چرا این قدر مهم است؟

شما اگر از نقاش هم بپرسید که اگر نقاشی نکنی چه می شود، او اگر عاشق کارش باشد از بین می رود، شاید از نظر فیزیکی نمیرد اما از نظر حسی و درونی پژمرده می شود. من این طور هستم! به نظر من رقص همه چیز است. انرژی، عشق، حرکت و از همه بالاتر، هنر است. اگر من می گویم که رقص آن چیزی نیست که خیلی ها تصور می کنند برای این است که من بدنم را عرضه نمی کنم و به بچه ها هم همین را یاد دادم. به هر حال وقتی رقص زیبایی را می بینید، این رقص در بدنی اجرا می شود خانم یا آقا. اما من دوست ندارم بچه ها لخت برقصند و تماشاگران به خاطر بدن زیبای آنها به کارشان توجه کنند. به نظر من در هر شرایطی و برای هر شرایطی می شود رقصید. خوشبختانه در کشور پهناور ما رقص های فلکلور به قدری غنی است

که برای هر مناسبتی نوعی رقص داریم. مثلا در عزا می‌رقصیم. سماع می‌کنیم. و یا مراسم بذر و کاشت و برداشت را می‌توانیم برقصیم. پس رقص برای کسی که عاشقانه می‌رقصد می‌تواند همه چیز باشد.

فکر می‌کنم بر اساس همین احساس و رابطه با رقص است که شما تمام تلاش خودتان را کردید و بالاخره از دریچه‌ی تئاتر، حرکت را در ایران به روی صحنه بردید.

بله، البته من در آن مورد هم مدیون شوهرم آقای هادی مرزبان هستم. ایشان تئاتر خود را در شرایطی روی صحنه برد که ما کمتر امکان آن را داشتیم که حرکت را روی صحنه بیاوریم. من در تئاترهای ایشان علاوه بر این که بازی داشتم، هر جا که لازم بوده طراحی حرکات را هم کرده‌ام. مثلا در یکی از تئاترهایشان به نام «شب روی سنگفرش خیس» نوشته‌ی زنده‌یاد اکبر رادی و کارگردانی شوهرم، تجاوز را با رقص نشان دادیم. البته در واقع حرکت و نه رقص، چون کاری را که ما در ایران می‌کنیم اصلا رقص نیست. فکر می‌کنم که اگر آقای مرزبان این کار را شروع نمی‌کرد امروز در تئاتر حرکات پیشرفته نمی‌دیدیم.

با کار «همه‌ی پسران من» آرتور میلر بود که اولین کار حرکتی را بر روی صحنه بردید. داستان آن از یک سوی جالب و از سوی دیگر تاسف‌انگیز است...

این اولین کاری بود که بعد از انقلاب آقای اکبر زنجان‌پور به من پیشنهاد کرد. و من در آن نقش باد را به عهده داشتم. درختی روی صحنه بود که بایستی آن را می‌شکستم. البته به همراهی آقای دیگری این نقش را داشتیم. هزار گیر و مانع وجود داشت. اما من عاشق این کار بودم. مسائل اداری و غیره برایم مهم نبود. قرار بود در نمایشی کار حرکتی انجام بدهم. شورای نظارت قبل از اجرا به من گفتند که نمی‌شود کار کنی چون مشخص است که خانم هستی و کنار یک آقا بازی می‌کنی. ابتدا گفتند که باید لباس یک شکل با آن آقا بپوشی، سپس گفتند که باید دستکش دست کنی. حتی حاضر شدم که برای این کار ماسک بزنم اما گفتند که دست شما و چرخش‌های شما کاملا زنانه و مشخص است. در نهایت نگذاشتند که بازی کنم. هر شب برای دیدن نمایش می‌رفتم و پشت صحنه گریه می‌کردم. این کار من بود اما بدون من بر روی صحنه رفت.

هنوز هم رقص حرفه‌ای به نوعی در ایران تابو محسوب می‌شود، گرچه با تغییر نام به «حرکات موزون» کارهایی صورت می‌گیرد. محدودیت‌های موجود چه تاثیری بر کار شما داشته است؟

این محدودیت‌ها باعث شد که من جور دیگری به رقص نگاه کنم. البته قبل از انقلاب هم نگاه من و معلمم به رقص متفاوت بود. در واقع معلم من نگاه درست را به این هنر داشت. مثلا قبل از انقلاب، من برای رقص اصلا به موسیقی آقای علیزاده فکر نمی‌کردم. تصور این بود که نمی‌توان با این موسیقی رقصید. اما بعد از انقلاب، شرایط مرا به سوی این موسیقی کشاند، موسیقی بسیار باکلاس و سختی که حتی گوش دادن به آن برای بعضی‌ها سخت است. مثلا وقتی من روی موسیقی آقای علیزاده - که برای زلزله‌زدگان رودبار ساخته - کار کردم، کسی باور نمی‌کرد. رقص آن بسیار سخت بود. به هر حال دیدی که قبل از انقلاب به رقص داشتیم خیلی خوب بود اما با تمام فشارها از شرایط بعد از انقلاب تاثیر مثبت برای هنر خودم برداشت کردم.

در پاییز سال ۱۳۸۲ شما به همراه ۲۴ هنرمند دیگر، برای کاری که مجوز هم داشت بازداشت شدید.

اتفاقا خبر آن از طریق ماهواره در تمام دنیا پخش شد و همه از آن مطلع شدند. ولی باور کنید که هنوز خود من هم متوجه نشده‌ام، چون مجوز داشتیم و این برنامه دو شب در جشنواره‌ی فجر اجرا شده بود. وقتی برای گرفتن مجوز عمومی رفتم به من گفتند که فقط خانم‌ها برای خانم‌ها می‌توانند اجرا کنند. گفتم قبلا به صورت مرد و زن اجرا شده باز هم مجوز ندادند و در نهایت پذیرفتم که آن کار فقط با هنرمندان زن و برای خانم‌ها اجرا شود. ما برای ۱۱ شب اجرا داشتیم اما شب دوم با وجود این که کار با موسیقی زنده نبود و خانم‌ها برای خانم‌ها بود به من گفتند که کار را کوتاه کنید. و من مجبور شدم که ۵ قسمت را حذف کرده و بچه‌ها را برای فینال فرستادم. بعد متوجه شدم که از قوه‌ی قضائیه آمده‌اند و کار را تعطیل کرده‌اند. بلیت‌های دو هفته فروش رفته بود که آنها را پس دادند. من هم به اوین رفتم و یک شب آنجا خوابیدم. ما با بچه‌ها به زندان رفتیم و تا ساعت ۱۲ در وزرا بودیم. اما فردای آن روز من بیرون آمدم. حدود ۱۰ روز پس از آن در جشنواره برنامه داشتیم که کار تمرین را پس از آن پی گرفتیم.

هم اکنون شما «رقصی چنین» را با هفت کانادایی و دو ایرانی کار می‌کنید. چه طور ارتباط برقرار می‌کنید؟ به هر حال شما رقصی ایرانی و حرکات ایرانی را منتقل می‌کنید که فرهنگ کاملا متفاوتی است.

بله دو نفر از این گروه ۹ نفره ایرانی هستند، یک نفر کانادایی، یکی یونانی و دو نفر هندی و یکی هم چینی است. این بسیار جالب است. با این گروه من مجبورم انگلیسی حرف بزنم اما این که می‌گویم زبان بین‌المللی، همه‌ی آنان فارغ‌التحصیل باله هستند و وقتی حرکت بدانید از نظر حسی و نگاه در تمام دنیا می‌توان این حرکت را رد و بدل کرد. از آنجا که همه پوزبسیون‌های باله اسم دارد و در همه جای دنیا با یک شکل و یک مفهوم بیان می‌شوند حتما برایتان بسیار حالب خواهد بود که «در رقصی چنین» ببینید که دختری چینی رقص‌های محلی ما و یا رقصنده‌ی ایتالیایی رقص آذری ما را انجام می‌دهد. وقتی آنها را می‌بینید شاید فقط از چشم‌ها و صورت‌شان متوجه شوید که ایرانی نیستند.

برنامه‌ی «رقصی چنین» دارای ۱۳ قسمت است و یک قسمت آن روی «بیژن و منیژه» کار شده. آیا داستان این قسمت هم ربطی به بیژن و منیژه دارد و یا فقط از آهنگ آن استفاده شده است؟

این موسیقی از ساخته‌های آقای حسین دهلوی است که در ایران زندگی می‌کنند و از افتخارهای موسیقی ما هستند. من از این کار بسیار خوشم آمد. قبل از این که بیایم، قرار بود در ایران قصه‌ی «لیلی و مجنون» را کار بکنم که متأسفانه رد شد. من در آن کار قسمتی از این موسیقی را استفاده کرده بودم و چون رد شده و اجرا نشده من بسیار دلم می‌خواست که به شکلی آن را اجرا کنم. این موسیقی فقط از قسمت بیژن و منیژه گرفته شده. من این قسمت را با روسری کار کرده‌ام و رقصنده‌ها با این روسری‌ها بازی می‌کنند. به هر حال، داستان رقص ربطی به قصه‌ی «بیژن و منیژه» ندارد اما من دوست داشتم با همان اسم در این جا شناخته بشود.

**خانم کابلی از شما سپاسگزاریم
برگرفته از شهرگان ، و نکوور**

در آستانه‌ی المپیک در دل اژدها چه می‌گذرد؟

• تینا فرشاد گهر – مونترال



خورشید به آرامی فرود می‌آید و می‌شد در آن هوای گرم، بوی رطوبت کشتزارهای برنج را حس کرد و من برای رسیدن به ده باید از راهی طلایی میان کشتزارها عبور می‌کردم. «ماو» از زیباترین ده‌های اطراف بود!

آقای «آی‌تان»، معلم زبان انگلیسی، در حالی که تجربه‌های خود را بیان می‌کرد، لحظه‌ای ایستاد و سوی سخنان خود را عوض کرد و گفت: «اما عشق به نو شدن و همگام شدن با تکنولوژی، رنگ و روی همه چیز را تغییر داد. باید منتظر بود و دید تا کی دست این‌ها به «ماو» هم می‌رسد!؟»

در حالی که چین در آستانه‌ی برگزاری المپیک است، فرصتی است تا نگاهی متفاوت از زوایای مختلف به این سرزمین انداخته شود. کشوری با ۱.۳ بلیون شهروند که ۷۲٪ آنان بین ۱۶ تا ۶۴ سال سن دارند و جالب توجه این که با وجود این جمعیت زیاد، چین از لحاظ قومی کشوری است تقریباً همگن که ۹۱٪ آنان از قوم «هان» هستند. قانون تک‌فرزندی چین باعث شده است که در مقابل هر ۱۱۹ پسر ۱۰۰ دختر به دنیا بیاید و با این روند در سال ۲۰۲۰ تعداد مردان مجرد چینی به ۳۰ میلیون نفر خواهد رسید، البته بدون در نظر گرفتن گروهی که حاضر به ازدواج نیستند. در حالی که ۴۵٪ زنان امروزه‌ی چین برعکس دوران قبل، که موقعیتی فروتری داشتند، می‌گویند حاضر نیستند که به دلیل ازدواج از موقعیت شغلی خود صرف نظر کنند. و اما از لحاظ دینی! ۳۱٪ از چینی‌های بالای ۱۶ سال خود را مذهبی می‌خوانند و این رقم تقریباً ۴ برابر رقم داده شده‌ی دهه‌ی پیش است!

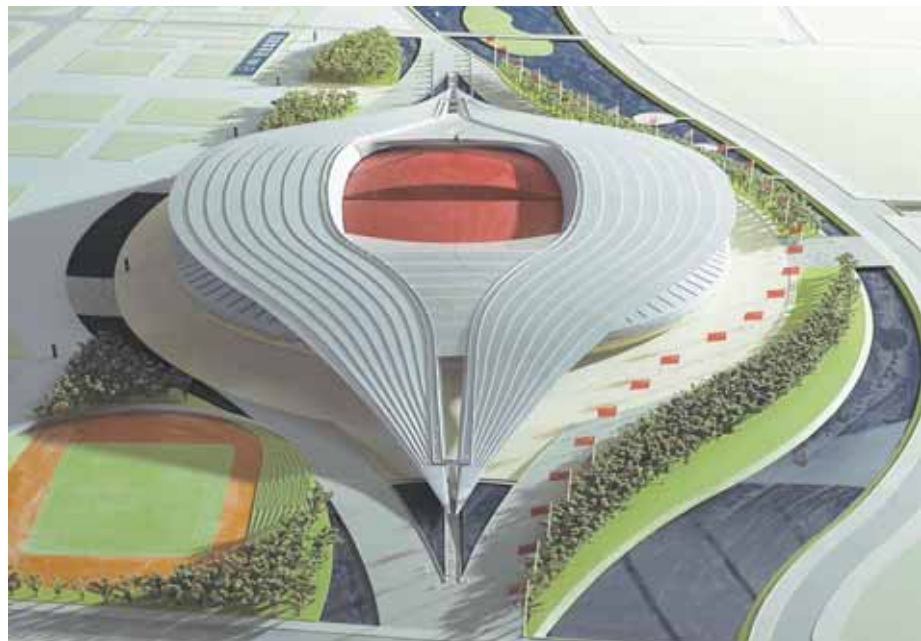
مردم چین در طول تاریخ رپار خود تقریباً برای اولین بار است که پنجره‌های خود را به سوی دنیای بیرون باز کرده‌اند و عشق به آمریکایی شدن سرتاسر زندگی آنان را

فرا گرفته است. از عادت‌های آمریکایی گرفته تا قانون‌ها و محصول‌های آن! [۱] عشق به زندگی آمریکایی، چین را چنان فرا گرفته که به تازگی بعد از ژاپن به بزرگ‌ترین بازار دنیا برای خودرو تبدیل شده است. این در حالی است که در مقابل هر ۴۵۰ خانوادگی آمریکایی تنها ۹ خانوادگی چینی دارای خودرو هستند و پیش‌بینی می‌شود که در سال ۲۰۲۵ تعداد خودروهای شخصی در چین از همین تعداد در آمریکا خواهد گذشت.

امروزه با نگاهی به اطراف خود، می‌توان حجم تولیدی چین را به سادگی حدس زد. دیگر به سختی می‌توان لوازم غیرچینی پیدا کرد. نیروی کار بالا و کارگران ارزان، چین را به یکی از بزرگ‌ترین کشورهای تولیدکننده با رشد اقتصادی سالانه‌ی ۱۰٪ تبدیل کرده است. آیا می‌دانید ۷۰٪ چتر دنیا، ۸۵٪ درخت‌های کریسمس دنیا و ۱۰۰٪ اسباب‌بازی‌های غیربهداشتی وارد شده به کشور آمریکا در سال ۲۰۰۷ در چین تولید شده بودند؟

تمام اینها نشانگر چینی‌گرسنه‌ی نفت است. تا ابتدای سال ۱۹۹۰ چین برای راه‌اندازی موتورهای اقتصادی خود قادر به تولید نفت مورد نیاز خود بود اما بعد از آن با نیاز روزافزون، مجبور به واردات شد و به این ترتیب ایران تبدیل به دومین صادرکننده‌ی نفت به چین با ۱۲۳ میلیون بشکه شد. چین به تنهایی در حال حاضر مصرف‌کننده‌ی ۱۰٪ نفت جهان است.

کارخانه‌ای شدن چین باعث مهاجرت چینی‌ها به شهر و شهرنشینی شد. به طوری که در سال ۱۹۷۸ وقتی «دنگ شیائوپینگ» (Deng Xiaoping) اصلاح بازار کار را شروع کرد چین فقط ۱۷۲ میلیون



کربن است. در نظر بگیرید روزی را که مردمان این کشور به رویای داشتن خودروی شخصی برای هر خانواده برسند!!!

و اما پکن (Beijing)، شهری که در حال انجام آخرین تدارکات خود برای المپیک ۲۰۰۸ است. ماه‌ها بود که رنگ باران را به خود ندیده بود. این امر مسئولان را بر آن داشت که به فکر تولید ابر مصنوعی بر فراز شهر باشند. هوانگ بین میینگ، هواشناس، به تولید ابر در آسمان ماو پرداخت تا با این حرکت باعث بارش باران در دامنه‌ی رود شود. این در حالی است که گروهی از تبتی‌ها مخالف این امر بوده و می‌گویند این فعالیت‌ها خشم خدایان را برمی‌انگیزد.

ساخت ۷۴ آسمان‌خراش در شهر، که از بلندترین‌ها هستند، برای پذیرایی المپیک از ماه‌ها قبل در شهر شروع شده و به پایان رسیده است. شاید بتوان گفت اجرای هزاران پروژه در مدت زمان کوتاه و خرج ۴۰ میلیون دلار برای پروژه‌های المپیک، این شهر را تبدیل به بزرگ‌ترین منطقه‌ی ساختمانی در تاریخ کرده است و امروز این شهر برای چینی‌ها حکم یک نشان ملی را دارد. در این میان، سه بنای اصلی المپیک عبارتند از یک استادیوم ۹۱ هزار نفری، که به شکل لانه‌ی پرنده است. دومین بنا، مرکز مسابقه‌های شنای المپیک است به شکل مکعب آبی رنگی که دیوارهای آن با حباب تزئین شده، و سومین آنها مرکزی هنری است به شکل تخم مرغی خیلی بزرگ. و حباب خیال‌بافی چینی! در نهایت، چین دارد به بهانه‌ی المپیک، بار دیگر نگاه‌های عمومی را به سوی خود جلب می‌کند. باید منتظر زمان بود و دید که آیا اژدها می‌تواند بدون از بین بردن خود بزرگ شود.

برای تهیه این مطلب از اطلاعات نشریه‌ی «نشنال جئوگرافیک» شماره‌ی می ۲۰۰۸ استفاده شده است.

[1] Peter Hessler's, Third China book



شهرنشین داشت. در حالی که امروز ۵۷۷ میلیون چینی در شهرها زندگی می‌کنند و این رقم با آهنگ ۶۰٪ رو به افزایش است. اینان نیروی کار ارزان و گردانندگان چرخ کارخانه‌های محصولات ارزان قیمت هستند. آنها اکنون قادر هستند برای خود آپارتمانی بخرند و حتی روزی خودروی شخصی در مقابل آپارتمان خود داشته باشند. آیا این داستان با به حقیقت پیوستن رویاها تمام می‌شود؟! این عصر طلایی می‌رود تا با خود اضطراب‌ها و مشکل‌های جبران‌نشدنی را برای چین به وجود آورد. اولین نشانه‌های این مشکل‌ها، چند سال پیش با خشک شدن دریاچه‌های محلی و رودها خود را نشان داد.



بروک لارمر (Brook Larmer)، نویسنده‌ی کتاب «عملیات یاو مینگ» (Operation Yao Ming) می‌گوید «همیشه فکر می‌کردم رود زرد، بهشت روی زمین است اما دیگر از این بهشت زمینی خبری نیست». رود زرد، قلب چین است و برای چینی‌ها همان معنایی را دارد که رود نیل برای مصریان. افزایش تعداد کارخانه‌ها و بزرگ شدن شهرها و رشد تماشایی محصولات چینی و اقتصاد آن، آب رود زرد را نه تنها مسموم کرد بلکه باعث خشکی دامنه‌ی آن نیز شد. ۵۰٪ از رود زرد در حال حاضر از لحاظ زیست‌شناختی مرده تلقی می‌شود. البته این رشد به اصطلاح تماشایی نه تنها باعث خشک شدن رودها و از بین رفتن حیات آنها شده بلکه چین هم اکنون به یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان آلودگی محیط زیست و هوا نیز تبدیل شده است. این در حالی است که طبق آمار بانک جهانی، چین دارای ۴ شهر از ۱۰ شهر آلوده‌ی دنیا بوده و بزرگ‌ترین تولیدکننده‌ی دی‌اکسید گوگرد و دی‌اکسید

« صدف » مونترال با گوهرهایی از تاریخ المپیک به بهانه‌ی آغاز بازی‌های المپیک: کمی در باره‌ی استادیوم المپیک مونترال

لیلی خاقانی - مونترال

حتما تا به حال صدف استادیوم المپیک مونترال را دیده‌اید. اگر نه از نزدیک و از داخل، دست کم از دور آن را دیده‌اید. نمی‌توان در این شهر زندگی کرد و این صدف غول‌آسا را ندید. آغاز بازی‌های المپیک یکن بهانه‌ای شد تا ماجرای تولد این استادیوم متفاوت را که سه دهه‌ی پیش صحنه‌ی یکی از بزرگ‌ترین مراسم ورزشی جهان شد، موضوع این نوشته کنیم. از المپیک ۱۹۷۶ می‌گویم که اگر خود المپیک را به خاطر نیاروید حتما نام نادیا کومانچی (Nadia Comaneci) خاطره‌ی شما را تازه می‌کند. سی و دو سال پیش نادیا کومانچی، ژیمناست جوان رومانیایی، اعجازی در المپیک ۱۹۷۶ آفرید که لقب «ملکه‌ی مونترال» را برای وی به ارمغان آورد. برای اولین بار کانادا و شهر ما، مونترال، میزبان بازی‌های صلح و دوستی بود. نادپای ۱۵ ساله با به دست آوردن سه مدال طلا، یک نقره و یک برنز رکورد ژیمناستیک جهان را شکست. آوازه‌ی شهرت او، تصویر و حرکتهای زیبا و ماهرانه‌ی او از اقیانوس‌ها گذشت و در جای جای دنیا همه را پای تلویزیون‌ها و تماشای بازی‌های زیبای المپیک ۱۹۷۶ مونترال کشاند. او گوهری بود که در دل صدف بزرگ استادیوم المپیک مونترال درخشید و هنوز هم یاد او، نام او و تصویر زیبایش زینت‌بخش این استادیوم بزرگ است.

در چهارم دسامبر ۱۹۶۹ ژان دراپو (Jean Drapeau)، شهردار مونترال، اعلام کرد که شهر مونترال به عنوان میزبان بازی‌های المپیک تابستان ۱۹۷۶ نامزد شده است. در روز ۱۲ می ۱۹۷۰ کمیته‌ی بین‌المللی المپیک (CIO) این انتخاب را به طور رسمی اعلام کرد. از این لحظه می‌بایست مونترال خود را آماده‌ی پذیرایی از این اتفاق بزرگ ورزشی می‌کرد. بایست دهکده‌ای در درون شهر متولد می‌شد تا بتواند برای برگزاری مراسم، اسکان ورزشکاران و میهمانان، پارک خودروها و سایر نیازها جابگو باشد. در آوریل ۱۹۷۲ شهر مونترال از ماکت استادیوم آینده‌ی این شهر در برابر خبرگزاری‌های بین‌المللی پرده برداشت. و یک سال بعد، در آوریل ۱۹۷۳ کارهای ساختمانی، زیر نظر طراح و معمار فرانسوی روزه تاییبرت (Roger Taubert) در پارک المپیک آغاز شد. این ساختمان بیضی شکل شبیه یک صدف غول پیکر است که سقف آن باز بوده و به صورت غیردائمی پوشیده شده است.

برچی به بلندی ۱۷۵ متر به صدف وصل شده که از پایه تا بالای آن ۲۳ تا ۶۳.۴ درجه خمیدگی دارد و به این ترتیب سر فرود آورده و نظاره‌گر همیشگی پیکره‌ی صدف است. ساخت صدف با آن برج و دیگر متعلقات آن ۱.۴۷ میلیارد دلار تمام شد و صدف و برج سرانجام یکی از نمادهای شهر مونترال شد. این برج زیبا سقف صدف را با ۲۶ کابل بسیار قوی فولادی به طور دائمی مورد حمایت خود قرارداده است. سقفی که از دو دیواره از جنس نوعی پلاستیک و تفلون به صورت مقاوم و ضدگلوله ساخته شده است. بین دو دیواره‌ی سقف، فضای به ارتفاع سه متر قرار دارد و در این فضا سیستم گرمایش سقف یعنی شوفاژ نصب شده تا باعث آب شدن برف‌های سنگین زمستانی روی سقف شود. غافل از این که با وجود تمام تجهیزات خود، نمی‌تواند در برابر زور سرما و برف مونترال مقاومت کرده و جان سالم به در ببرد. این سیستم تا به حال، در جنگ نابرابرش با زمستان دو بار شکست خورده است. مرمت این سقف تا به حال ۲۵۰ میلیون دلار خرج روی دست دولت کبک و شهروندان گذاشته و در نتیجه دو طیف موافق و مخالف ایجاد کرده است.

به هر روی، از بالای برج می‌توان چشم‌اندازی از مونترال زیبای خودمان را دید که از هیچ نقطه‌ی دیگری قابل دیدن نیست. با دوربین‌های قوی می‌شود دور تا دور مونترال تا فاصله‌ی ۸۰ کیلومتری را مشاهده کرد. در طبقه‌ی دوم این برج، همیشه نمایشگاهی برپاست که می‌توان به رایگان از آن بازدید کرد. در روزهای شلوغ تابستان، آسانسور روزانه نزدیک به ۱۰۰ بار رفت و آمد دارد و خیل گردشگران و مشتاقانی را با خود جابجا می‌کند که می‌خواهند مونترال و شگفتی‌هایش را با یک نگاه کشف کنند.

در زمان برگزاری المپیک، به دلیل فشردگی کارهای ساختمانی و ترس از به پایان نرسیدن کامل و به موقع آن و انصراف CIO از برگزاری مراسم در مونترال، دولت کبک ناچار شد با پذیرش هزینه‌های بیشتر از مقدار پیش بینی شده و بدون ساختن برج و با سقف باز که بر روی سالن اصلی آن قرار دارد به افتتاح المپیک بپردازد. کارهای ساختمانی بعد از چند سال توقف، در سال ۱۹۷۹ از سر گرفته شد و تا سال ۱۹۸۷ طول کشید تا برج آن به زیبایی امروز رسید. این برج بزرگترین برج خمیده‌ی دنیا بوده و عضو فدراسیون برج‌های بزرگ دنیاست.

در محوطه‌ی بیرون، در مقابل در ورودی ساختمان، پرچم‌های ۲۶ کشور برنده‌ی مدال طلا در آن سال، سر بر آسمان برافراشته و در گردهمایی‌شان با هم از ورزشکارانشان و افتخارهایی سخن می‌گویند که آنان برای کشورشان آفریده‌اند. افتخارهایی که از بین ۶۰۸۴ ورزشکار زن و مرد از ۹۲ کشور جهان در ۲۱ رشته‌ی ورزشی نصیب آنان شده است. صدرنشین این گروه، با ۴۹ طلا، ۴۱ نقره و ۳۵ برنز شوری سابق است. کشور میزبان (کانادا) با داشتن ۵ نقره و ۶ برنز به مقام ۲۷ دست یافته و اما ایران ما با داشتن یک نقره و یک برنز در جایگاه سی و دوم ایستاده است.

یکی از نقطه‌های تاریخ المپیک مونترال، تحریم آن توسط ۲۸ کشور آفریقایی است. این تحریم در اعتراض به حضور نیوزیلند در این بازی‌های صلح و دوستی صورت گرفت. زیرا نیوزیلند در بازی‌های راگی در آفریقای جنوبی نژادپرست شرکت کرده بود.

این استادیوم بزرگ علاوه بر المپیک و سایر مسابقات ورزشی تا به حال شاهد برگزاری کنسرت‌های مهمی مانند کنسرت گروه پینک فلوید، مایکل جکسون، مدونا و نیز پذیرایی از «پاپ ژان پل» بوده است.

سگ آبی (Castor) این حیوان متین، صبور و تلاشگر که به دلیل این ویژگی‌های شخصیتی اش یکی از نمادهای کانادا محسوب میشود و تصویر آن روی سکه‌های پنج سنتی حک شده و حتی روی تمبرها حضور دارد، در بازیهای المپیک مونترال باز همچنان جایگاه نمادین خود را حفظ کرده و تصویرش به عنوان نماد بازیها (Mascotte) شناخته شده بود.

از طریق متروی خط سبز و ایستگاه Pie_IX یا Viau به آسانی می‌توان به پارک المپیک رسید. قیمت بلیت صعود به بالای برج ۱۴ دلار و هزینه‌ی راهنما ۸ دلار است که برای سالمندان و کودکان تخفیف داده می‌شود.

جهت نوشتن این مطلب از منابع زیر استفاده شده است:

la ville de Montréal - Wikipedia - تحقیق از محل استادیوم المپیک و مدارک موجود در آنجا



تاریخچه ای از حضور ایران در بازی های المپیک

آورد تیم وزنه برداری ایران بود.

المپیک ۱۹۶۴ توکیو

در ژاپن ورزشکاران ایرانی در رشته های دو و میدانی، ژیمناستیک، کشتی آزاد، کشتی فرنگی، شنا و شیرجه، تیراندازی، شمشیربازی، وزنه برداری، دوچرخه سواری و فوتبال نماینده داشتند.

تیم فوتبال ایران برای اولین بار در مسابقات شرکت می کرد و با کسب مساوی یک بر یک مقابل مکزیک و شکست ۴ بر ۱ و یک بر هیچ در مقابل آلمان و رومانی نتوانست به دور دوم صعود نماید. تنها ره آورد تیم ایران از توکیو دو مدال برنز اکبر حیدری و محمدعلی صنعتکاران در کشتی آزاد بود. و مدال نقره محمد نصیری در وزنه برداری تنها مدال این رشته بود.

المپیک ۱۹۶۸ مکزیکوسیتی

در مکزیک تعداد ۱۹ ورزشکار ایرانی در کشتی آزاد، کشتی فرنگی، وزنه برداری و دو و میدانی حضور داشتند.

در کشتی آزاد عبدالله موحد پدیده کشتی ایران و جهان با پیروزی بر همه حریفان به مدال طلا رسید. علی محمد مومنی مدال نقره گرفت و شمس الدین سید عباس و ابوطالب طالبی دو مدال برنز گرفتند.

در وزنه برداری محمد نصیری که در توکیو صاحب گردن آویز نقره شده بود با شایستگی به کسب مدال طلا نائل آمد و پرویز جلایر نقره گرفت. در رشته های دیگر نیز موفقیتی کسب شد.

المپیک ۱۹۷۲ مونیخ

ورزشکاران ایرانی در رشته های کشتی آزاد، کشتی فرنگی، بوکس، دوچرخه سواری، فوتبال، وزنه برداری، شمشیربازی و دوومیدانی حضور داشتند. در وزنه برداری مدال نقره محمد نصیری تنها ره آورد تیم ایران بود. در فوتبال تیم ایران با دو شکست در مقابل دانمارک و مجارستان و یک پیروزی یک بر صفر در مقابل برزیل (با گل مجید حلوانی) به کار خود خاتمه داد. در کشتی آزاد ابراهیم جوادی برنز گرفت. در کشتی فرنگی رحیم علی آبادی موفق به دریافت مدال نقره شد.

المپیک ۱۹۷۶ مونترال

در کانادا این بار همشهریان ما میزبان بیست و یکمین دوره مسابقات المپیک بودند. ایران در رشته های فوتبال، کشتی آزاد، کشتی فرنگی، واترپلو، وزنه برداری، شمشیربازی، مشت زنی، دوچرخه سواری، تیراندازی و دو و میدانی شرکت داشتند. ره آورد کاروان ۱۶۵ نفره ایران از المپیک مونترال یک مدال برنز بوسیله محمد نصیری و یک مدال نقره بوسیله منصور برزگر در کشتی آزاد بود.

«تحریم بازیهای ۱۹۸۰ مسکو و ۱۹۸۴ لوس آنجلس»

جمهوری اسلامی ایران نخستین کشوری بود که هر دو المپیک را تحریم کرد و در هیچ کدام شرکت نمود.

المپیک ۱۹۸۸ سئول

پس از عدم شرکت در دو المپیک قبل، ورزشکاران ایرانی پس از ۱۲ سال در کاروانی ۴۲ نفره و در رشته های کشتی آزاد، کشتی فرنگی، دوچرخه سواری و دو و میدانی شرکت نمودند که موفقیتی کسب نکردند.

المپیک ۱۹۹۲ بارسلونا

ورزشکاران ایران در رشته های کشتی آزاد، کشتی فرنگی، وزنه برداری، دوچرخه سواری، تکواندو، بوکس، تنیس روی میز و دوومیدانی شرکت داشتند. مدال نقره عسگری محمدیان و مدال برنز امیر رضا خادم در کشتی آزاد و در تکواندو دو مدال نقره و برنز بوسیله فریبرز اصغری و رضا وطن دوست، حاصل کار ورزشکاران ایران در بارسلونا بود. ادامه در صفحه ۲۰

• هادی متبسم – مونترال

در اردیبهشت ماه ۱۳۲۶ برابر با ماه می سال ۱۹۴۷ به همت و پشتکار فتح اله امیرعلایی که از ورزشکاران و مسئولین سازمان تربیت بدنی بود، ایران به عضویت فدراسیون های بین المللی پذیرفته شد و از آن تاریخ کمیته ملی المپیک ایران به صورت رسمی مشغول به کار گردید و بدین صورت فدراسیون های ورزشی ایران توانستند به بازیهای المپیک راه یابند.

در این نوشته سعی شده است تا تصویری خلاصه از نقش ایران در بازی های المپیک از آغاز حضورش تا به امروز ارائه شود.

المپیک ۱۹۴۸ لندن

در لندن، کاروان ورزشی ایران که از ۵۲ نفر تشکیل شده بود. «۳۸ ورزشکار و ۱۴ همراه» اولین حضور خود را در المپیک جشن گرفت.

گروه ورزشی ایران در ۵ رشته وزنه برداری، کشتی آزاد، بوکس، بسکتبال و تیراندازی حضور داشتند. ورزشکاران ایران در المپیک لندن به دلیل اولین حضورشان در میدانی به بزرگی المپیک نتوانستند نتایجی درخور استعدادشان بدست آورند و فقط جعفر سلماسی در وزنه برداری و دسته پر وزن صاحب مدال برنز شد که به عنوان اولین مدال المپیک ایران هنوز در خاطره ها زنده مانده است.

المپیک ۱۹۵۲ هلسینکی

در فنلاند، ما در رشته های کشتی آزاد، وزنه برداری، بوکس و دوومیدانی حاضر بودیم. ورزشکاران ایران با تجارب اندوخته از المپیک لندن در دومین حضورشان موفق شدند در اندازه ای قابل قبول مطرح گردند.

در رشته وزنه برداری، وزنه برداران ما موفق شدند با کسب دو مدال نقره و برنز و یک مقام چهارم، دو مقام پنجم و دو مقام هشتم و با کسب ۱۶ امتیاز در رده سوم المپیک قرار بگیرند.

و اما در رشته کشتی آزاد، تیم ایران با کسب دو مدال نقره بوسیله جهان پهلوان تختی و ناصر گیوه چی و سه مدال برنز بوسیله محمود ملاقاسمی و جهانبخت توفیق و عبدالله مجتوبی بر سکوی سوم المپیک ایستاد.

المپیک ۱۹۵۶ ملبورن

ورزشکاران حاضر در استرالیا در رشته های کشتی آزاد و وزنه برداری حضور یافتند. از کشتی آزاد، تیم ایران در ۹ وزن حاضر بود و با کسب دو مدال طلا بوسیله غلامرضا تختی و امامعلی حبیبی و یک مدال نقره مهدی یعقوبی مسابقات را به پایان برد. در وزنه برداری تیم هشت نفره ایران با کسب تنها مدال برنز محمود نامجو مسابقات را تمام کرد.

المپیک ۱۹۶۰ رم

در ایتالیا ۲۵ ورزشکار ایران در رشته های کشتی آزاد، کشتی فرنگی، وزنه برداری، بوکس، دو و میدانی و تیراندازی شرکت کردند.

تیم ایران در کشتی آزاد نتوانست در اندازه های خود ظاهر شود و با کسب دو مدال نقره تختی و حبیبی و یک مدال برنز سیف پور مسابقات را پایان برد. در کشتی فرنگی تنها مدال برنز محمد پذیرایی ره آورد این رشته ورزشی بود.

در وزنه برداری هم همانند کشتی فرنگی تنها مدال برنز اسماعیل علم خواه دست



سفر به اعماق زمان بخش ششم: «فسیل فضایی» شاهدی بر مهبانگ

دکتر امید صارمی _ مک گیل _ مونترال

کنیم! اما مشاهدات ویلسون وینزیاس، که تابش زمینه کیهانی را کشف کرده اند در واقع در جهت خلاف این تئوری تفاوت دما بود. تابشی که آنها روی آنتن هایشان ثبت کردند کاملاً یکنواخت بود و دمای آن به جهت بستگی نداشت!! فیزیکدانان از پاننشستند. آنها معتقد بودند که ابزار نجومی ویلسون وینزیاس به اندازه کافی دقیق نبوده که بتواند این تفاوت دما را ثبت کند. بعد از سال‌ها تلاش وافر آنها NASA را قانع کردند که پروژه‌ی ماهواره‌ی او را به تصویب برساند که با آن بتوانند آزمایشاتی با دقت بالا روی تابش زمینه کیهانی انجام دهند و یک بار برای همیشه ببینند که آیا این ناهماهنگی‌های دمایی در تابش زمینه کیهانی وجود دارد یا نه، پروژه بالاخره به تصویب رسید.

در یک روز پاییزی در سال ۱۹۸۹ میلادی ماهواره (COBE) بوسیله یک موشک دلتا به فضا پرتاب شد. تیمی از دانشگاه‌ها در دانشگاه پرینستون و سایر دانشگاه‌ها مسئول تحلیل داده‌های دریافت شده از ماهواره COBE بودند. روز ۲۳ آوریل ۱۹۹۲ آن روز تاریخی بود. در آن روز این تیم از وجود غیر یکنواختی‌های بسیار کوچکی در تابش زمینه کیهانی خبر داد! این غیر یکنواختی‌ها در دما بسیار ناچیزند (حدود ۱ صد هزارم درجه سانتیگراد) ولی در عین حال آنقدر بزرگ هستند که فیزیک دانان را متقاعد کنند که سوپ اولیه غیر یکنواخت بوده و در نتیجه‌ی این غیر همگنی ساختارهای بزرگ در جهان مانند ستارگان و کهکشان‌ها پدید آمده‌اند.

جرج اسموت و همکارانش در سال ۲۰۰۶ برای این کشف بزرگ جایزه نوبل فیزیک دریافت کرده‌اند. به عقیده بسیاری کشف غیر یکنواختی در تابش زمینه کیهانی در واقع نقطه‌ی آغاز کیهان‌شناسی به عنوان علم دقیق است. تا به این نقطه بحث، به نظر می‌رسد که همه‌ی شواهد تجربی در جهت اثبات فرضیه مهبانگ بودند. خوب، به نظر می‌رسد ماجرای مهبانگ حل شده و ما به پاسخ خود رسیده‌ایم. اما آیا واقعا این فرضیه از هیچ ایراد جدی رنج نمی‌برد؟ برای خواندن داستان مهیج «تئوری تورم» تا هفته‌ی آینده صبر کنید.

در قسمت پیشین بحثمان کمی راجع به این سؤال بزرگ کیهان‌شناسی حرف زدیم که ساختارها در جهان ما، یعنی ستارگان و کهکشان‌ها چگونه از دل سوپ آغازین داغ که تا حد زیادی همگن و یکنواخت بوده پدید آمده‌اند. همان طور که در قسمت قبلی گفتیم پاسخ این سؤال به طور فشرده این است که سوپ آغازین در حال انبساط در بعضی نقاط چگال‌تر از نقاط دیگر بوده و این تفاوت چگالی در جریان انبساط عالم رشد کرده و منجر به تشکیل کهکشان‌ها و در مراحل بعد تر تشکیل ستارگان گشته است. اما آیا هیچ شاهد تجربی برای اینکه سوپ اولیه کیهانی یکنواخت نبوده و در بعضی نقاط چگال‌تر از نقاط دیگر بوده است وجود دارد؟ در واقع تلاش برای یافتن این شاهد تجربی که موبد فرضیه بالا باشد یکی از مهیج‌ترین کشفیات قرن بیستم است.

قبل از این که به شرح جزئیات بیشتر کشف مذکور بپردازم بگذارید کمی ذهنمان را آماده کنیم. همان طور که قبلاً گفتیم، تابشی، تمام سوراخ سنبه‌های عالم را پر کرده است که در واقع از بقایای انفجار بزرگ است. این تابش به اصطلاح تابش زمینه‌ی کیهانی نامیده می‌شود. می‌توان گفت که این پژواک از انفجار اولیه در واقع «فسیلی» ارزشمند است که با مطالعه جزئیات آن می‌توان به ساز و کارهای فیزیکی درگیر در جهان اولیه پی برد. فیزیکدانان ضمن مطالعات نظری خود دریافتند که اگر جهان اولیه کمی ناهمگن و غیر یکنواخت بوده باشد (یعنی برخی نقاط چگال‌تر از نقاط دیگر) تاثیر این ناهماهنگی می‌بایست خود را در تابش زمینه کیهانی نمایان سازد. بگذارید این موضوع را کمی بشکافیم. تابش زمینه کیهانی تابشی یکنواخت است که از همان سوپ اولیه متصاعد شده است. می‌دانیم که سوپ اولیه پلاسمایی داغ بوده است. در نتیجه یک طیف حرارتی از آن متصاعد می‌شود که همانند تابش حرارت از هر جسم داغ دیگر دارای یک دمای مشخص است. اگر گوی اثنین اولیه کمی غیر یکنواخت بوده دمای تابش وابسته به آن در نقاط مختلف اندکی متفاوت خواهد بود. به زبان ساده تر وقتی تابش زمینه کیهانی را در جهات مختلف آسمان اندازه می‌گیریم، می‌بایست دماهای متفاوتی را برای تابش ثبت

مطلب رسیده از خوانندگان

یکی بود... یکی نبود! و ...

"تیرگان" بی پرتاب "تیر" پران "آرش" به قلب تورانیان، برگزار شد!



علی شریفیان، آتیلا پسیانی و فریبرز دفتری در جشنواره تیرگان

• علی شریفیان - مونترال

sharifiancanada@yahoo.com

در سالی که گذشت، جمهوری اسلامی بعد از چین بیشترین اعدامها را داشته است. تنها همین یکشنبه هفتده گذشته، بیست و نه نفر به بهانه و دلایلی واهی در اوین به دار آویخته شده‌اند. یادمان باشد که چین بیشترین جمعیت جهان را دارد و به واقع جمهوری اسلامی با توجه به نسبت جمعیت، رکورددار اعدام در جهان است.

دریغا که در بزرگترین جشنواره ایرانیان کانادا (که اگر نه همه‌شان اما گروه زیادی از آنها خودخواسته و یا خودنخواسته تبعیدی هستند و از چنگال مرگ‌آفرین جمهوری اسلامی گریخته‌اند) در غالب آثار هنری به استثنای «بوف کور»، نمایشی که نیلوفر بیضایی بر اساس شاهکار بزرگ صادق هدایت بر صحنه برد، هیچ نشانی از کژی‌ها و نانسان‌مداری‌های جمهوری اسلامی ندیدیم. همین جا بگویم که من همه برنامه‌های این جشنواره را ندیدم. شاید ... شاید در دیگر آثار هنری که عرضه شد باز هم نشانه‌هایی بوده باشند... اما یک چیز را می‌توانم در اینجا به اشاره و به عنوان «کمبود بزرگ» این جشنواره بیاورم و آن این است: هم مسئولان «هاربر فرانت» و هم برگزارکنندگان - که به حق برای برگزاری این جشنواره تلاش جانانه‌ای کرده‌اند - این رویداد بزرگ را رویدادی هنری فرهنگی خوانده‌اند و تا آنجا که هم حضوری پی گرفته و هم خبرهایش را دنبال کردم، حتی از حضور مخالفان جمهوری اسلامی در محوطه «هاربر فرانت» جلوگیری شده است. باز هم همان بحث سالیان سال دوران ما: «هنر برای هنر».

اما این گونه که نمی‌شود. «به دنبال چه می‌گشته‌ایم که به اینجا، به تورنتو رسیده‌ایم و تیرگان را به جای آن که در وطن‌مان برگزار کنیم، پانزده، شانزده هزار کیلومتر اینستور، در آمریکای شمالی و در کانادا اجرا می‌کنیم؟!» پاسخ بسیار ساده و بر همگان روشن است.

«هنر» را نمی‌توان از «اجتماع» و در نتیجه از «سیاست» جدا کرد. گرچه «هنر» باید ابتدا «هنر» باشد و پس از آن در خدمت جامعه، اجتماع و مردم باشد. من خود همیشه از «هنر سیاسی» صرف، شعار و «هنر شعاری» دوری گزیده‌ام. اما این نمی‌شود که ده‌ها هزار ایرانی گرد هم بیایند و حتی تلنگری به آنها، به «تورانیان» نزنند که چرا مجبورشان کرده‌اند در «هاربر فرانت» تورنتو، بزرگ‌ترین جشن ملی‌شان، تیرگان، را برگزار کنند؟

این گونه نمی‌تواند که داریم با کهنگی، پیر و خسته می‌شویم (و شاید شده‌ایم) و با کهنگی، پیری و خستگی، فراموشکار شده‌ایم و یا دست کم با بهانه‌هایی که «صنار» نمی‌ارزند زمزمه می‌کنیم که «هنر از سیاست جداست!» که تا این در، در «جمهوری اسلامی»، بر پاشنه «ظلم و کژمداری، ایران‌ستیزی و انسان‌ستیزی» می‌چرخد، نه چنین است و نه می‌تواند باشد.

دوشنبه ۲۸ ژوئیه ۲۰۰۸ - بیدرکجای مونترال - کانادا

* از تیرگان روایت‌های گوناگونی در دست است. این واژه اکنون نام روستایی در نزدیکی درگز در استان خراسان رضوی است.

در پایان، پس از چند ماه هیاهو، پیام و خبر و بیار و ببر، جشنواره بزرگ، بزرگترین جشنواره ایرانیان کانادا، در «هاربر فرانت» (بارانداز) تورنتو با شرکت ده‌ها هنرمند و ده‌ها هزار نفر، از روز پنجشنبه هفدهم تا بیستم ژوئیه برگزار شد. هر جور بود اسب زین کردم و به اتفاق یکی از دوستان، خودم را به این بزرگ جشنواره رساندم. دورنمای بزرگ شهر تورنتو، سواد چرک و ابرالود این شهر - که هیچگاه دوست نداشته‌ام - وقتی که در افق پیدا شد، در دل به خود نوید دادم که «نه، این بار تورنتو شهر دیگری است. وطن یاران همت کرده‌اند و بزرگ جشنواره تیرگان را می‌روم که شاهد شوم». پای آبله، یک راست به هاربر فرانت راندم و چه بارانی می‌آمد.

در افسانه‌های اسطوره‌ای تاریخ وطن بلازده‌مان هم آمده که در «تیرگان»* - که سیزدهمین روز از ماه تیر است - در زمان پادشاهی منوچهر و افراسیاب، آن زمان که «تورانیان» مدت‌ها «ایران» و «ایرانیان» را در چنگ و محاصره خود داشتند و قحطی و خشکسالی بر اثر «بی‌بارانی» خرد و کلان را غمگسار سرنوشت خود و «ایران» کرده بود، باران فراوانی ریزش گرفت و از آن پس تر «آرش کمانگیر» با قول و قراری که میان سرکردگان سپاهیان «ایران» و «توران» گذاشته شد؛ «تیری» از بالای بلند «دماوند» از چله کمانش پرواز داد و تیر بلند و دیرپرواز «آرش کمانگیر» به حق و عدالت بر جایی نشست که از آن پیشتر مرز ایران و توران بود. آرش، جان بر سر پرواز دادن این تیر نهاد اما تیر بر قلب چرکین «تورانیان» نشست و «تورانیان» به اجبار مرز تازه‌ای را که این تیر با نشستگاه خود نشان داد، پذیرفتند. مرزی که از آن پیش‌تر هم مرز ایران و توران بود.

گمانم می‌رفت که این بار هم پس از هزاران و سی سال که از سلطه «تورانیان» بر «ایران» می‌گذرد و پس از این که سی سال و اندی است چنگال خون‌آلود بر گلو «ایران» و «ایرانیان» فشرده‌اند، در جشنواره تیرگان «آرش» - که نه بلکه «آرش‌ها» - تیرها از چله‌های کمان‌شان بپرانند و این تیرها به قلب سیاه و تیره «تورانیان» بنشینند و آنها را اگر نه کاملاً از پای بیاندازد، دست کم زبون و زخمی‌شان کند! اما از این افسانه (که در این جشنواره، افسانه بماند) بارانش بود و بارانش بود، اما تیر و کمان و آرش و آرش‌های کمانگیرش را هر چه جستم، نیافتم.

و ما دوره می‌کنیم شب را و روز را... هنوز را! با کهنگی پیر و فراموشکار شده‌ایم. بیش از بیست سال از قتل عام خواهان، برادران و فرزندانمان در زندان‌های قرون وسطایی جمهوری اسلامی می‌گذرد، قتل عامی که هزاران جان پاک در آن به دست حاکمان پنجه افکنده بر خاک «ایران زمین»، تورانیان بدکنش ایرانی‌نما و اسلام‌پناه، از میان برده شدند.

جشنواره دیورسیتیه با موسیقی و رنگ های بسیار برگزار شد

پاشا جوادی _ مونترال

علیرغم تابستانی نه چندان گرم و بارانی، جشنواره های مونترال همچنان گرم و پر شورند. هفته گذشته مونترال میزبان جشنواره دیورسیتیه بود. شاید بتوان با اغماض دیورسیتیه را همان «دگرگونگی» معنی کرد. این جشنواره که مختص دگرباشان جنسی است پر بود از موسیقی های نوستالژیک دهه هشتاد، رقص و آرایش های عجیب و غریب. از ۳۳ سال پیش تاکنون که همجنس گرایی از لیست نا هنجاری ها و انحرافات جنسی حذف شد، دگرباشان جنسی سعی در تابو شکنی و عادی سازی گرایش شان در میان عموم مردم کرده اند. آنان با راه اندازی جشنها و کارناوالهای متعدد، مردم اعم از عوام و خواص را به پذیرش افرادی با چنین گرایش هایی تشویق نموده اند. با وجود اینکه این تلاشها در بسیاری از افراد و حتی دولتها کارائی داشته و گرایش های همجنس گرایانه به رسمیت شناخته شده اما همچنان در میان بخش بزرگی از جامعه غیر قابل قبول و مضحک شمرده می شود. ریشه های تاریخی، اجتماعی و روانکاو، روانشناسی و زیست شناسی زوایای گوناگون بررسی دگرباشی هستند که مورد توجه متخصصان قرار دارند.

کوبین که خود را «نرمال» می نامد و بعد اصلاح میکند و می گوید: هم جنس باز نیست ولی همیشه در جشن همجنس گرایان شرکت می کند تا هم از اقلیتی حمایت کند و هم تا می تواند «دیوانه بازی در بیاورد!»

پی بر با اشاره به جشنواره دیورسیتیه معتقد است که «دیگه کمی زیادیه و غلو میشه!» ماریا دانشجوی دانشگاه مونترال می گوید که زندگی خصوصی آدمها در اتاق خواب به من و شما ربط ندارد ما از موسیقی و جو لذت می بریم. او همجنس گرایان را افراد مهربان و خوبی می داند و با آنها راحت است. ژرژت که به تازگی از افریقا آمده و در مونترال مشغول تحصیل است شوکه شده و جشنواره را غیر قابل قبول می خواند. آقای سرژ، یکی از دگرباشان حاضر در جشنواره، دست در دست قدم زدن با دوست پسرش را حقی طبیعی می داند. او با اشاره به گروه ما، از نگاه های سنگین آدمها و کسانی که برای عکاسی از «رویدادی عجیب» آمده اند گلایه می کند. با تمام این تفاسیر جشنواره دیورسیتیه هفته گذشته در محیطی پر از موسیقی و انرژی و رنگ در شهر همیشه زنده مونترال برگزار شد تا اقلیتی، پذیرفته شده یا نشده، با اعلام حضورشان به شادی بپردازند.



سه روز شاد و پر تحرک در میان طبیعت با انجمن زنان

همه ساله انجمن زنان ایرانی مونترال در اولین آخرهفت ۴ آگوست یک کمپینگ عمومی راه اندازی می کند که نه فقط اعضا و فعالان این انجمن بلکه همگان از زن و مرد و کودک و بزرگ به شرکت در آن دعوت می شوند. امسال این سفر سه روزه به درون طبیعت زیبای کبک، اول، دوم و سوم آگوست صورت گرفت و بنا به گفته خانم دکتر نیما مشعوف که خود از برنامه ریزان کمپینگ بود، حدود ۶۰-۷۰ نفر با هم به لک لیستر Lac Lyster در نزدیکی شهر شربوک رفتند.

یکی از افرادی که کم و بیش پای ثابت کمپینگ های انجمن زنان است می گوید: «شاید اگر بگویم لک لیستر یکی از زیبا ترین نقاط کبک است اغراق نکرده باشیم. بخصوص جایی که برای این سفر سه روزه انتخاب شده از مزایای زیادی برخوردار است. به عنوان مثال کوه و جنگل و دریاچه را یک جا با هم داریم.» بارش پیگیرانه باران مانع از برپایی برنامه های تفریحی، ورزش و سرگرمی نشد. گرچه دیگر برنامه کوه نوردی مثل هر سال پر طرفدار نبود اما نشستن در کنار هم و شعر و ترانه خوانی پر رونق بود. بویژه که مسولان کمپ برای چنین روزهایی چاره اندیشیده و چادر بزرگی که ده ها نفر را زیر خود پناه می داد، برپا کرده بودند.

خانم مشعوف همچنین می گوید: «از آنجایی که ما چند سال بی دربی به این محل رفته ایم، مشتریان ثابت آنجا که بیشتر کبکی هستند، با ما آشنا شده اند و در چنین مواقعی از سال عملاً منتظر رسیدن اکیب ما هستند» او ادامه می دهد: «امسال خیلی از آنها با شور و شوق به ما پیوستند.»

این فعال اجتماعی، در توضیح نکات مثبت تفریحاتی مثل کمپینگ، می گوید: «بسیاری از خانواده ها این مشکل را دارند که فرزندانشان در برنامه های خانوادگی همراه نمی شوند اما کمپینگ سالانه ما از جمله برنامه هایی است که جوان ترها نه تنها با علاقه می آیند بلکه دوستانشان را هم با خود می آورند.» به نظر خانم مشعوف این امر بویژه مهم است و تاثیر چنین فعالیت های تفریحی و اجتماعی را برجسته تر می کند.

یکی از شرکت کنندگان این کمپینگ می گوید: «می دانم برای سازمان دادن برنامه هایی اینچنینی کلی وقت و نیرو هزینه می شود، ما می رویم و از برنامه لذت می بریم اما در دروس های آن شریک نیستیم.» او رو به سازمان دهندگان ادامه می دهد: «واقعا دست تان درد نکند و خسته نباشید.»



جهان واژگونه / Le monde à l'envers

تابستان فصل برگزاری فستیوال هاست ؛ بیرون زندهای شبانه، موسیقی در فضای باز، هیچکار نکردن در آفتاب و خلاصه هر آنچه که زمستان اجازه آن را نمی دهد. از بخشهای بسیار درخور توجه فستیوال ها، حواشی آن هاست. جایی که ژانگولرها ، تردستان و آتسخوارها سعی در ارائه دنیایی متفاوت با روزمرگی زندگی شهری دارند. شکی نیست که ایشان نیز در ازای آن مقادیر اندکی جهت ادامه روزمرگی خویش درخواست می کنند.

فرخ وهاب زاده

Photo par Farrokh Vahabzadeh
<http://pixeleria.googlepages.com>



تحریم های شدید تر علیه ایران در دستور قرار گرفت

به گزارش وست کن نیوز سرویس شش کشور طرف مذاکره ایران بر سر گسترش تحریم ها علیه ایران توافق کردند. این توافق بعد از آن به دست آمد که ایران به بست و پیشنهادی غرب پاسخ منفی داد.

بر اساس گزارش رویترز، مطابق اعلام قبلی وزارت خارجه آمریکا، کشورهای قدرتمند جهان چهارشنبه ۶ اگوست ۲۰۰۸، از طریق کنفرانس تلفنی در باره مساله هسته ای ایران، رایزنی کردند. بر پایه این گزارش، نمایندگان گروه پنج بعلاوه یک، در باره پاسخ جمهوری اسلامی به بسته مشوق ها، در ازای تعلیق غنی سازی اورانیوم، با یکدیگر گفت و گو کردند.

پیش تر گونزالو گاله گوس، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفته بود، چنانچه پاسخ روشنی از ایران دریافت نشود، ناگزیر تدابیر شدیدتری در برابر جمهوری اسلامی اتخاذ خواهد شد.

یک ایرانی تبار کاندیدای نخست وزیری اسرائیل: من ایران را در جای خود می نشانم

به گزارش تارنمای عصر ایران، شائول موفاز معاون نخست وزیر اسرائیل از هواداران خود خواست با رای دادن به او، کمک کنند تا ایران از تبدیل شدن به یک قدرت اتمی یازداشته شود.

موفاز در رادیو اسرائیل گفت: ایران به زودی به سلاح اتمی دست پیدا می کند و به آرزوی دیرینه اش که محو ساختن اسرائیل است، می رسد. وی افزود: مقامات ایران از ابتدای پیروزی انقلاب به فکر دستیابی به سلاح اتمی بوده و هستند.

موفاز بدون اشاره به اینکه اسرائیل از تولید و انبار ۲۰۰ کلاهک هسته ای چه هدفی را دنبال می کند، تاکید کرد: ما از ایران اتمی هراس داریم و اگر آنها به سلاح اتمی دست پیدا کنند، آنگاه باید سناریوی خاتمه امنیت در خاورمیانه را تکمیل شده توصیف کرد.

ادامه از صفحه ۱۷

وی گفت: امیدوارم بعد از اولمرت به عنوان نخست وزیر انتخاب شوم تا بتوانم درس خوبی به ایران بدهم و ایرانی ها را سرچایشان بنشانم! این چهره سیاسی اسرائیل که بعد از نبرد ۳۳ روزه با لبنان یکی از عاملان شکست رژیم مذکور به حساب می آید، از سوی خبرگزاری رویترز به عنوان پرحرف ترین مقام کابینه ایهود اولمرت معرفی شده است. گفتنی است موفاز در تهران متولد شده و سپس به اسرائیل مهاجرت کرده است.

معاون البرادعی به تهران رفت

به گزارش خبرگزاری های رسمی ایران، پنجشنبه ۱۷ مرداد ۱۳۸۷، یکی از مقامات بلندپایه آژانس لاین المللی انرژی اتمی، برای مذاکره با مقامات ایرانی وارد تهران شد.

اولی هاینونن معاون ارشد محمد البرادعی پنجشنبه به تهران آمد تا در مورد عدم موافقت ایران با بسته پیشنهادی غرب مذاکره ای داشته باشد.

وب سایت رسمی سازمان بین المللی انرژی اتمی اعلام کرد: نمی توان هیچگونه پیش داوری از علت این مسافرت در نظر داشت و موضوع اصلی مذاکرات هاینونن و مقامات ایران پس از حضور در ایران به صورت رسمی اعلام خواهد شد.

آمریکا: بستن تنگه هرمز به نفع ایران نیست

به گزارش رادیوی آمریکایی فردا، دولت آمریکا اعلام داشت، هر کوششی برای بستن تنگه هرمز از سوی تهران، به سود ایران نخواهد بود. «جف مورل» سخنگوی پنتاگون، وزارت دفاع آمریکا گفت، برای اقتصاد ایران که وابسته به واردات بنزین از خارج است، چنین اقدامی به گفته وی در واقع «شکست دادن خود» خواهد بود. گفته های آقای مورل، یک روز پس از آن بیان شد که فرمانده سپاه پاسداران اعلام کرد، اگر به ایران حمله شود، تنگه هرمز را به آسانی به روی رفت و آمد کشتی ها خواهیم بست.

المپیک ۲۰۰۴ آتن

یونان برگزار کننده المپیک ۲۰۰۴ مسابقات را با شکوه هرچه بیشتر برگزار کرد، در این مسابقات تیمهای ورزشی ایران حضور داشتند و با دریافت ۲ مدال طلا، ۲ مدال نقره و ۲ مدال برنز به کار خود خاتمه دادند.

حسین رضازاده بزرگمرد وزنه برداری جهان باز هم قهرمان بی چون و چرای وزن آخر وزنه برداری بود و مدال طلا را به گردن آویخت. در تکواندو هادی ساعی که در المپیک قبل به مدال برنز قناعت کرده بود، این بار دومین مدال طلای کاروان ورزشی ایران را به گردن آویخت. دو مدال نقره مسعود مصطفی جوکار و علیرضا رضایی و مدال برنز علیرضا حیدری حاصل کار کشتی گیران ما بود و یوسف کریمی در تکواندو دیگر مدال برنز ایران را بدست آورد.

با آرزوی موفقیت ورزشکاران ایرانی در پکن.

المپیک ۱۹۹۶ آتلانتا

در المپیک آتلانتا جشن یکصدمین سال تولد المپیک جدید برگزار گردید که در سال ۱۸۹۶ در آتن پایه گذاری شده بود. در این المپیک مدالهای برنز امیررضا خادم در وزن ۸۲ کیلو گرم، طلای رسول خادم در وزن ۹۰ کیلو گرم و نقره عباس جدید در وزن ۱۰۰ کیلو گرم کشتی آزاد، تنها دست آورد ورزشکاران ایرانی بود.

المپیک ۲۰۰۰ سیدنی

ورزشکاران کشورمان در المپیک استرالیا با معرفی حسین رضازاده به عنوان قویترین مرد جهان و جابجایی همه رکوردهای وزن آخر، شگفتی آفریدند. در همین رشته حسین توکلی دیگر وزنه بردار ایرانی نیز به مدال طلا نائل آمد. علیرضا دبیر در کشتی آزاد طلا گرفت و مدال برنز هادی ساعی در تکواندو تمام دست آوردمان در سال ۲۰۰۰ بود.



اعدام روزنامه نگار سیستان بلوچستان نگرانی های بسیار برانگیخته است

یعقوب مهرنهاد، روزنامه نگار و فعال مدنی سیستان بلوچستان هفته گذشته اعدام شد. اینک شش روزنامه نگار و فعال مدنی در کردستان با صدور و یا تأیید حکم اعدام روبرو هستند: عدنان حسن پور، هیوا بوتیمار، فرزاد کمانگر، انور حسین پناهی، فرهاد وکیلی و علی حیدریان. همچنین صبح چهارشنبه، ۱۶ مرداد ۱۳۸۷ حکم اعدام دومین معلم کرد، انور حسین پناهی، تأیید شد.



یعقوب مهرنهاد، روزنامه نگار، هفته گذشته اعدام شد.

به گزارش سایت اینترنتی اخبار روز گروهی از روزنامه نگاران کرد در اعتراض به اعدام همکار خود بیانیه ای را منتشر کردند که در آن از جمله نوشته شده است: «صبح امروز زندان مرکزی زاهدان شاهد انداختن حلقه ی طناب اعدام بر گردن یک روزنامه نگار بود. روزنامه نگاری که تنها یک جرم داشت: بیان واقعیات مردمانش؛ یعقوب مهرنهاد، قبل از اینکه اشعه های آفتاب بلوچستان را ببیند، مظلومانه اعدام شد.

یعقوب مهرنهاد یک فعال مدنی بود، وی به فعالیت مدنی و قانونی در ایران اعتقاد داشت و بر این باور بود که با توسل به مبارزه قانونی و پتانسل های قانونی در جمهوری اسلامی ایران، می توان حقوق پایمال شده مردم بلوچ را بازپس گرفت، ولی اجرای حکم اعدام وی بر اساس همان قانونی که او به آن امید بسته بود، این ذهنیت را در میان ما بوجود می آورد که او شاید اشتباه کرده است! ولی افسوس که خیلی دیر است...

یعقوب مهرنهاد یک روزنامه نگار بود، وی به رسالت خویش ایمان داشت و بر همین اساس همواره از ظلم هایی که از جانب خدایگان نشسته بر کرسی قدرت در مرکز بر مردم بی پناه و درحاشیه ی بلوچ روا داشته می شود، می نوشت و نقد می کرد و سرانجام با طناب بافته شده از «تار»هایی که بیشتر با قلم خویش بر کاغذ نگاهشته بود، اعدام شد.

ما ضمن محکوم نمودن اجرایی کردن سیاست «شکستن قلم ها» که اینبار در قالب اعدام برای روزنامه نگاران و قلم به دستان خود را به نمایش می گذارد، خواهانیم که جوامع حقوق بشری در برابر این اقدام حاکمیت در ایران ساکت ننشینند و این

اقدام انسان ستیزانه را محکوم نمایند. سکوت در برابر حکم اعدام یعقوب مهرنهاد، به معنی اجرای احکام اعدام فعالان مدنی، نویسندگان و قلم به دستان در دیگر نقاط ایران و علی الخصوص در کردستان است.»
این بیانیه تحت امضای «شماری از روزنامه نگاران و وب نگاران کرد» منتشر شده است.

هدیه احمدی نژاد به مناسبت روز خبرنگار: یک سفر به مشهد

به گزارش خبرنگاری اصولگرای فارس، رئیس جمهور اعلام کرد که بمناسبت روز خبرنگار به خبرنگاران هزینه سفر خانوادگی به مشهد مقدس را هدیه می دهد. بنا بر این گزارش، محمود احمدی نژاد رئیس جمهور در نشست با اهالی رسانه که در ساختمان مجلس قدیم برگزار شد با اشاره به وعده هدیه رئیس جمهور به خبرنگاران اظهار داشت: به خبرنگاران و اعضای خانواده هزینه سفر به مشهد مقدس اهدا خواهد شد.

رئیس جمهور در این مراسم که تا ساعات پایانی پنجشنبه شب به طول انجامید. سخنان تعدادی از اهالی رسانه های مختلف را شنید و در جمع خبرنگاران و مسولان خبرگزاری ها، مطبوعات و رسانه ملی سخنرانی کرد.

این هدیه با هماهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به خبرنگاران رسانه ها داده خواهد شد

اعدام دو فعال سیاسی و اجتماعی در سیستان و بلوچستان

به گزارش سایت های حقوق بشری در روزهای گذشته اعدام فعالان سیاسی و اجتماعی در ایران اوج جدیدی گرفته است. کانون مدافعان حقوق بشر در پیوند با اعدام دو فعال مدنی بیانیه ای صادر کرده است. در این بیانیه آمده است: «باردیگر دو نفر از فعالان سیاسی - اجتماعی از استان سیستان و بلوچستان به اتهام همکاری با گروه های مسلح اعدام گردیدند. بدون آنکه نحوه دستگیری، تعقیب و محاکمه و محکومیت آنها معلوم گردد. آنچه از قرائن و شواهد بر می آید متهمینی از این دست، غالباً از مزایای دادرسی عادلانه برخوردار نیستند و آنچه باعث تأسف بسیار است، آنکه محاکمات عموماً بصورت غیر علنی و در محاکم غیر صالح به عمل می آید. این پرسش مطرح است که چنانچه اتهامات وارده به این محکومین مستند به دلایل کافی میباشد چرا مسئولین ذیربط با استناد به اصول ۱۵۹، ۱۶۵ و ۱۶۸ قانون اساسی دادگاه ها را بصورت علنی و در محاکم دادگستری و با حضور هیأت منصفه برگزار نمی نمایند.

روال کار نشان می دهد که دلایل متقنی بر جرم بودن اعمال انتسابی و انتساب اتهام به متهمان وجود ندارد.

کانون مدافعان حقوق بشر به قوه قضائیه هشدار می دهد، در اعمال مجازات، رعایت قانون، انصاف و عدالت را بنماید و بدانند که این اقدامها جز ایجاد کینه و نفرت حاصلی به بار نخواهد داد.»

نیاز مندیها

پیش شماره های نوشته نشده ۵۱۴ هستند.

فروشگاه ها	
۴۲۰-۵۵۵۱	اخوان
۳۸۲-۸۶۰۶	ادونیس
۴۵۰-۹۲۳-۳۸۶۸	افغانی
۹۲۳-۸۵۶۸	الشلال
۴۸۹-۳۲۲۶	راکی مونتانا
۴۵۰-۶۷۶-۹۵۵۰	کوه نور
۳۶۹-۳۴۷۴	سن لوران
۴۸۶-۴۱۱۳	یک دلاری
۴۲۱-۳۴۷۸	مارشه سیروس
۸۶۱-۳۴۷۴	مواد دریایی کاسپین
۹۳۲-۲۰۹۹	نور
۴۵۰-۹۰۴-۴۹۰۰	وطن
۸۴۵-۰۱۸۶	ویاند سن لورن
۳۶۵-۲۲۲۱	هانوپاک
کامپیوتر	
۹۱۸-۴۷۳۶	انترکام
۴۸۵-۱۰۰۰	انکس مدیا
۲۹۴-۸۲۴۲	آموزش کامپیوتر
۶۲۶-۷۵۰۶	برنامه نویسی - وب
۹۷۵-۲۱۱۱	پیمان سلیمی -
۲۹۰-۲۲۱۲	طراحی وب جی اچ دی، گارت
گل	
۹۸۳-۱۷۲۶	لینک فلاور-وحید
مجالس - جشن ها - سفره عقد	
۸۲۵-۳۱۷۰	لیلی صمیمی
۶۸۳-۸۵۵۶	هدیه
مراکز مذهبی	
۷۲۷-۶۶۶۶	الزهر
۸۴۹-۰۷۵۳	انجمن بهایی
۷۷۷-۶۴۲۱	کلیسای شاهراه مقدس
۳۶۶-۱۵۰۹	مرکز اسلامی ایرانیان
مشاور املاک	
۴۲۱-۷۸۸۸	محمد اجزا چی
۴۲۶-۴۵۴۵	افسانه انصاری
۸۹۸-۱۵۹۰	همایون انصاری
۵۷۶-۴۱۵۵	یاس انصاری
۷۳۱-۷۵۷۵	فرخنده بدافی
۴۹۷-۲۵۶۷	فریبا جانفزا
۸۱۴-۱۸۴۴	میترا چنگیزی
۹۹۸-۹۱۴۷	نعیمه چنگیزی
۴۲۶-۹۵۹۵	زاله حافظی
۹۶۹-۲۴۹۲	نادر خاکسار
۷۹۲-۴۵۷۷	مینا صالحی
۳۶۴-۳۳۱۵	سپهر صفائی
۴۵۸-۱۲۰۶	حسین فلسفی
۴۶۶-۶۰۰۰	پرویز قائمی
۴۲۶-۴۵۴۵	ابرج قانعی
۸۸۰-۷۱۷۱	سحر کریمیان

حمل و نقل	
۳۸۴-۵۶۳۲	پارس مارتینیم
۸۴۹-۵۶۶۱	کی بی ترانسپورت
خشک شویی و خیاطی	
۹۳۴-۵۶۰۰	Excel plus
دندان پزشکی	
۹۳۳-۳۳۳۷	مهری حیدری
۹۳۳-۳۳۳۷	شهرزاد رضا نیا
۶۸۴-۰۱۳۵	معصومه دولتشاهی
۶۳۴-۷۲۸۱	راضیه رضوی
۷۳۱-۱۴۴۳	شریف نائینی
۶۸۵-۶۲۲۲	علی شفیع
۶۹۵-۸۶۴۱	رامین میر موجی
۶۸۵-۶۲۲۲	علی مهبیو
دندان سازی	
۷۳۷-۶۳۶۳	افخم هادی
رسانه های گروهی	
۴۸۳-۲۰۷۰	اعتبار
۸۴۸-۱۷۷۱	بازار
۵۷۵-۸۴۵۱	پوشه
۶۲۰-۸۳۳۱	پیوند
۳۸۵-۴۷۲۶	تلویزیون
۷۸۷-۸۸۴۸	رادیو چکاوک
۷۸۷-۸۸۴۸	چکاوک هفته
رستوران - پیتزا - کیتزینگ	
۹۳۱-۱۹۹۹	الطیب
۸۳۱-۱۴۸۴	بانو
۶۷۰-۸۴۰۰	پارس
۴۵۰-۶۷۸-۹۳۲۲	جویان کباب
۳۴۳-۰۳۴۳	دابل پیتزا
۴۸۳-۶۵۵۵	سرای ۵۹
۴۸۵-۲۹۲۹	شیراز
۶۷۷-۴۷۲۶	کیتزینگ ظریف
۲۷۰-۸۴۳۷	فاروس
۴۸۳-۶۹۹۰	کارون
۹۳۳-۰۹۳۳	کباب سرا
۴۸۳-۰۰۰۰	کپلی
۴۸۴-۸۰۷۲	کلبه عمو جمال
۸۴۹-۱۳۳۵	گورمه گرک
۸۰۷-۸۷۴۷	گیلان
۳۶۳-۴۴۴۴	گی ملو
۸۴۶-۱۹۴۷	نیلوفر
۳۱۵-۷۹۹۴	Cafe 420
روانشناس - روان کاو	
۲۲۳-۶۵۴۲	حمیرا قاسم نژاد
۸۴۹-۷۳۶۸	مهناز کاظمی
عکاسی و ویدیو	
۴۸۸-۳۳۵۳	فتوکی ان دی جی
۸۴۶-۰۲۲۱	فتو شاپ
۴۸۸-۷۱۲۱	رز
۹۶۲-۷۳۹۲	رضا بلادی
فروش	
۳۸۵-۱۸۱۸	تهران
۲۷۷-۸۰۰۰	قصر فرش

آموزش	
۷۳۹-۳۰۱۰	انستیتو تکنیک
۳۶۸-۹۰۱۲	پروین عبائی -
	فارسی
۹۳۷-۱۷۷۷	کالج ابو علی سینا
۸۶۸-۶۲۶۲	کانادا کالج
۶۲۶-۵۵۲۰	مدرسه وست آیلند
۶۴۸-۱۹۱۲	مدرسه دهخدا
آموزش (رانندگی)	
۹۸۹-۲۱۲۱	امگا
۹۳۷-۲۸۸۸	ناسیونال
۸۰۷-۲۷۸۳	Best
۵۶۸-۳۸۴۸	cool driving
بیمه و سرمایه گذاری	
۸۸۵-۴۳۶۸	هادی اسلامی وطن
۴۸۳-۲۰۷۰	گروه مالی انصاری
	داخلی: ۲۳۵
۲۹۶-۹۰۷۱	علی پاکنژاد
۹۲۴-۸۳۶۸	سمیرا مظفری
۹۲۷-۳۵۰۴	سهراب مهماندوست
۹۳۱-۴۲۴۲	مریم سلیمانی
EXT2299	
پزشکی	
۴۸۱-۰۶۷۱	فرهت- عینک سازی
۴۶۶-۱۸۸۰	میرا - کلینیک
پزشکی جایگزین	
۹۳۱-۸۲۷۴	پروین زرسا و -
	همیوبت
۹۷۹-۲۱۲۰	هیپنوتیزم - علی
	سلیمی
تابلو سازی	
۹۳۱-۷۷۷۹	پلکسی
۹۳۱-۹۸۳۴	حمید
ترجمه	
۲۴۶-۸۴۸۶	محمود ایزدی
۶۲۴-۵۶۰۹	شهریار بخشی
۷۳۰-۷۴۶۲	آرزو تحویل داری یکتا
دارو خانه	
۲۸۸-۴۸۶۴	لوئیز داداش زاده
دعوتنامه رسمی	
۶۲۴-۵۶۰۹	شهریار بخشی
حسابداری	
۷۳۵-۰۴۵۲	حسن انصاری
۴۸۶-۵۵۴۷	همایون خاتمی
۴۸۷-۱۵۶۶	شکیب نیا
۸۰۶-۰۰۶۰	عباس شفیع
۴۹۲-۷۰۰۷	مجتبی میر عابدینی
۳۶۲-۰۳۸۲	ریاض حق

اتومبیل (اجاره و فروش)	
۹۹۳-۷۰۸۵	اتوزرین
۴۸۲-۴۵۰۰	الگانس
۴۸۶-۵۶۷۰	شان اتو
۴۸۲-۴۵۰۰	لیزینگ کمپانی
اتومبیل (تعمیرگاه)	
۴۸۴-۴۴۸۱	اطلس
۳۶۴-۶۴۰۰	آی تی ام
۷۷۷-۶۴۲۱	خرید ماشین اوراقی
۶۳۷-۳۳۳۶	Autoride
۹۳۳-۰۸۸۳	Pieces d'Auto
آرایشگاه - زیبایی - اسپا	
۵۵۱-۰۰۸۸	اکسپرت
۸۲۷-۲۹۰۰	استاتیک لی لی
۶۲۶-۸۶۶۶	خانه زیبایی فریده
۵۲۲-۵۲۵۲	زارا
۴۸۱-۶۷۶۵	زهره
۹۳۴-۳۳۷۴	رویا
۳۳۳-۷۳۰۹	سیروس
۴۸۹-۶۹۰۱	شهرزاد
۹۷۵-۳۰۰۲	مانی
۸۴۰-۰۹۰۹	مون رویال
۷۷۲-۵۷۸۷	Esthemedica
آرز	
۹۳۷-۵۱۵۲	بیژن احمدی
۸۴۸-۵۹۹۹	ام با ام
۲۸۹-۹۰۱۱	پاسیفیک
۸۴۶-۲۱۶۸	پنج ستاره
۹۸۹-۲۲۲۹	خضر
۲۲۳-۶۴۰۸	شریف
۴۸۵-۶۰۰۰	مانی وایز
ازدواج و طلاق	
۳۶۶-۱۵۰۹	شیخ صالح سیبویه
آژانس های مسافرتی	
۲۴۲-۰۴۴۸	امیر - اسکای لان
۲۷۰-۴۷۲۶	افروالمپیک
۹۳۸۷۲۷۷	پارس تورز
۳۹۷-۹۲۲۱	نسرین پارسا
	داخلی: ۲۴۳
۸۴۲-۸۰۰۰	فرناز معتمدی
	داخلی: ۲۹۶
۳۴۴-۸۸۸۸	گام
۴۲۱-۰۲۴۴	Amro Travel
الکتریکی (تعمیرات)	
۴۲۶-۴۵۵۲	الکتروتک
۴۲۸-۰۶۵۰	امید
۵۲۷-۸۸۱۴	سولوسیون پلاس

HafteH

Un hebdomadaire pour la communauté iranienne de Montréal

A weekly Newsletter for the Iranian Community in Montreal

6960 Sherbrooke W. #15

Montreal Qc H4B 1R2

(514) 787-8848

www.chacavac.com

info@chacavac.com

Remerciements particuliers à ceux qui ont contribué à ce numéro / Special thanks to those who contributed to this issue: Mrs. Tina Farshadgohar, Mrs. Sahar Homami, Mr. Yusef Amiri, Mr. Mohammad Jabbari, Mr. Pasha Javadi, Mr. Mehdi Keshtkar, Mr. Jean-Michel Lavoie, Mr. Hadi Motebassem, Dr Omid Saremi, Mr. Ali Sharifian

9 août 2008, numéro 11 / August 9, 2008 Issue No.11

Publication/Publisher: C-HafteH

Éditeur/Editor: Leili Khaghani

Éditeur en chef/Editor in chief:

Khosro Shemiranie

Designer:S.Taghiloha

Design des publicités/Ads designed by: behgraphics.com

Design de la couverture/Cover design by: Keyvan Mahjour

La photo de la semaine/Picture of the week : Farrokh Vahabzadeh

۸۰۲-۲۳۴۹	سوسن گوئل
۴۲۶-۴۵۴۵	هلن کيورکيس
۸۱۶-۴۰۸۰	نينوس کيورگيزنيا
۴۲۶-۴۵۴۵	رضا نژاد
۶۰۸-۳۲۶۸	داود وثوقيان
۸۲۷-۶۳۶۴	فيروز همتيان

نان و شيريني	
۴۸۳-۶۵۵۵	سرای ۵۹
۹۸۹-۷۵۱۴	نخودچی

نوسازی و تعمیرات ساختمان	
۸۳۵-۶۲۴۳	تی.ام.ان
۵۷۳-۸۱۱۸	ایرکا- فرهاد زرعی
۹۹۶-۲۷۲۵	انواع سنگ

نظافت منزل و محل کار	
۶۵۵-۷۶۷۲	آر-اند-اف

موسیقی : ساز- سی.دی-ویدئو	
۲۲۳-۳۳۳۶	تیش
۹۰۹-۶۲۶۴	پیانو

مهاجرت - وکیل	
۷۴۴-۰۸۲۵	فیوره بلانزه
۲۸۸-۴۰۵۰	گلشاد درودی
۲۷۸-۳۶۷۹	شاهی
۳۷۷-۰۴۹۰	روشیا عشریه
۸۸۶-۳۸۲۶	شوکا عشریه
۳۹۵-۰۵۲۲	علی غلامپور
۶۵۶-۸۱۷۸	ماریا کتنه
۲۷۱-۸۹۷۵	رضا محمود بیگ
۶۵۱-۴۷۲۶	علی مختاری
۳۹۲-۰۰۵۰	رضا ناظم
۹۵۴-۹۹۹۸	ونسان والایی

Table des métiers

- Les cinq anneaux Olympiques, inspirant Amitié, Amour et Égalité – Hadi Motebassem
- Les nouvelles du Québec et du Canada
- Les nouvelles des Iraniens à Montréal
- Cafélitt- Introduction à la théorie littéraire – Mahdi Keshtkar
- Coquillage de Montréal et les perles de l'histoire d'Olympique - Leili Khaghani
- Que se passe-t-il au coeur du Dragon à la veille des Olympiques - Tina Farshadgohar
- Petite histoire de la présence de l'Iran aux Jeux Olympiques - Hadi Motebassem
- Un entretien avec Farzaneh Kaboli, artiste chorégraphe, à propos de «This Dance I Wish» à Montréal
- Le fond diffus cosmologique: Un fossile venant du plus profond des temps - Omid Saremi
- Le critique de «Jachnvaresh Tirgan»- Ali Sharifian
- Un camping de trois jours au milieu de la forêt et au bord de l'eau
Association des femmes iraniennes de Montréal
- La photo de la semaine : Le monde à l'envers - Farrokh Vahabzade
- Les nouvelles du monde
- Les nouvelles de l'Iran
- Petites annonces

Index

- Word of the week: Rings of Olympic-inspiration for Friendship, Love, and Equality: Hadi Motebassem
- Quebec and Canada news
- What's happening in our community?
- Café Litt – An Introduction to Literary theories: Mehdi Keshtkar
- Stade Olympique – Montreal's coquillage and some of its best pearls: Leili Khaghani
- How does the Dragon feel at Olympic's debut?: Tina Farshadgohar
- Let's look at Iran's presence in Olympics games: Hadi Motebassem
- Farzaneh Kaboli on the occasion of 'this dance I wish...'
- Big Bang CMB – A fossil from Eternity: Omid Saremi -McGill
- Toronto Tirgan Festival – A critical look: Ali Sharifian
- Camping: spending 3 days in the woods besides water with Anjoman-e-zanan
- Picture of the Week, upside-down world: Farrokh Vahabzadeh
- World news
- Iran News
- Classifieds

راديو چكاوك

را هر يكشنبه شب از

ساعت ۹ تا ۱۰ بر روی

موج ای.ام ردیف

۱۲۸۰ بشنوید

HafteH

Un hebdomadaire pour
la communauté iranienne
de Montréal

A weekly Newsletter for
the Iranian Community in
Montreal

9 août 2008, numéro 11
August 9, 2008 Issue No.11

جشن بازگشت به مدرسه را هر چه با شکوهتر برگزار کنیم

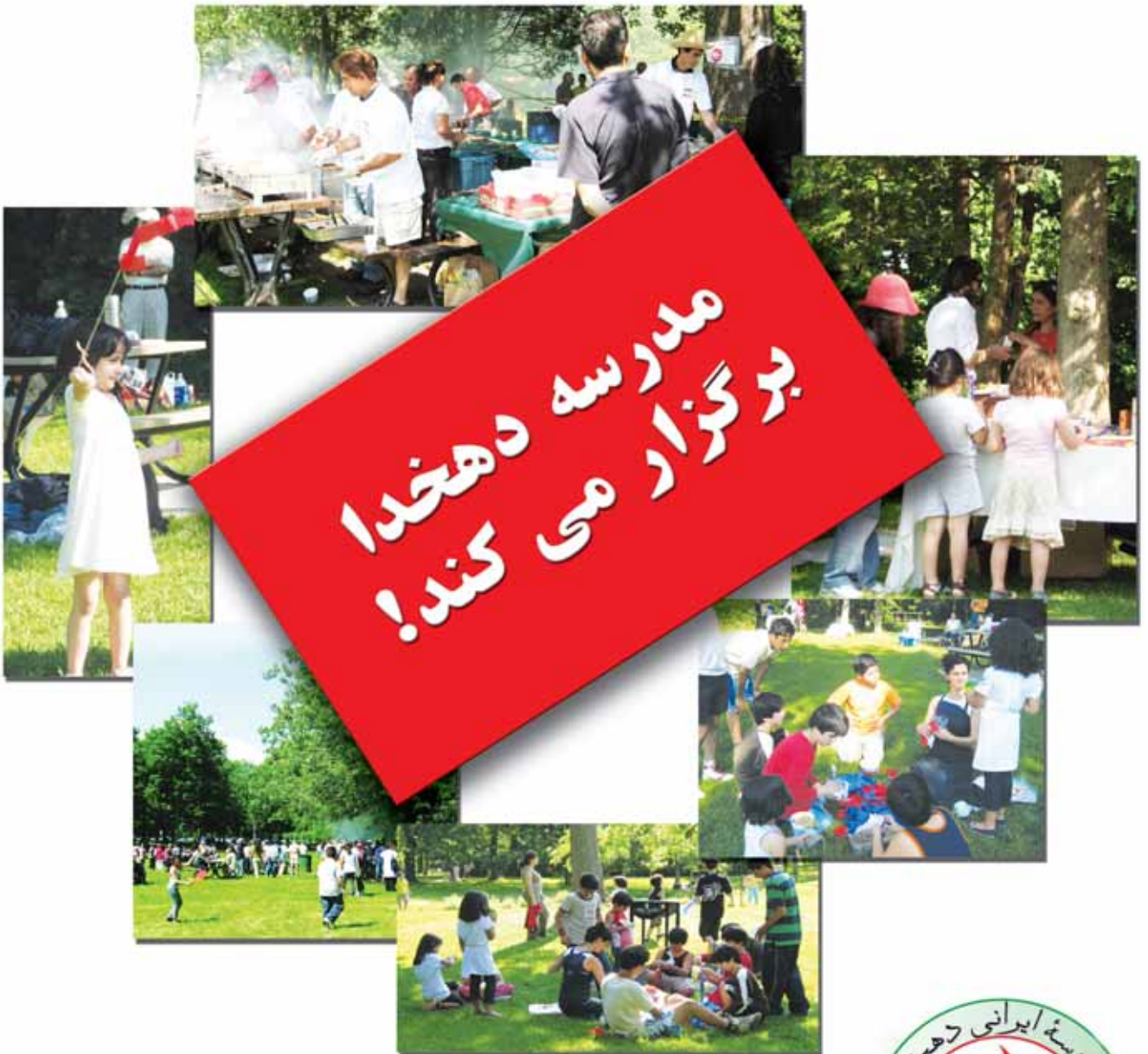
یکشنبه ۲۴ آگوست

۱۰ صبح تا ۷ شب

در پارک انگریونیون

موسیقی ایرانی با رقص و پایکوبی

کباب، جوجه کباب، گوجه و سالاد فقط ۸ دلار



برای اطلاعات بیشتر با شماره های زیر تماس بگیرید

(۵۱۴)۹۵۲-۲۱۶۵
(۵۱۴)۲۵۸-۸۱۸۶

